





Presentation a Model of Skill-Oriented Education in Schools Based on the Real Needs of Society

- Atefeh Khosravi Rad**  Ph.D. Student in Educational Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. E-mail: ati.khosravirad@yahoo.com
- Ahmad Akbari** *  *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of Education Science, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. E-mail: akbari.18@gmail.com
- Mohammad Karimi**  Assistant Professor, Department of Education Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. E-mail: karimi.94@gmail.com
- Moslem Cherabin**  Assistant Professor, Department of Education Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. E-mail: Moslemch2010@gmail.com

ABSTRACT

The current research aims to design a model of skill-based education in schools according to the real needs of society. According to its purpose, the research method is fundamental and in terms of implementation, it is mixed (qualitative-quantitative). The statistical population of this research in the qualitative part included professors and experts in the fields of education management and skill-based education. Sampling was done in a targeted manner and reached saturation with 10 expert interviews. And in the quantitative part to validate the research model, 447 Khorasan Razavi education teachers were selected by the available sampling method. The research tool in the qualitative part was a semi-structured interview. Then, in the quantitative part, the skill-based education model was validated according to the real needs of society based on a researcher-made questionnaire. MAXQDA 18 and PLS-Smart 3 software were used for data analysis. The research findings revealed that the central phenomenon of skill-oriented education comprises three main components: enhancing individual and social life, creating value, and building human capabilities. The causal conditions leading to the development of a skill-oriented education model based on societal needs were categorized into four groups. Background conditions were identified with five primary components. Effective strategies for achieving skill-oriented education were organized into six categories. Finally, implementing the model resulted in consequences across four areas: economic benefits, positive social and cultural impacts, individual positive outcomes, and educational results.

Keywords: Skill-based Education, Real Needs of Society, Value-creating Skills, Human-building Skills

Cite this Article: Khosravi Rad, A., Akbari, A., Karimi, M., & Cherabin, M. (2024). Designing a Model of Skill-Oriented Education in Schools Based on the Real Needs of Society. *Educational Leadership Research*, 11(1), 90-128. doi: 10.22004/JRLAT.2024.73746.1607



© 2016 by Allameh Tabataba'i University Press
Publisher: Allameh Tabataba'i University Press
DOI: 10.22004/JRLAT.2024.73746.1607

ارائه الگوی آموزش مهارت محور مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه

عاطفه خسروی راد

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. رایانامه: ati.khosravirad@yahoo.com

احمد اکبری *

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. رایانامه: akbari.180@gmail.com

محمد کریمی

استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. رایانامه: karimi.740@gmail.com

مسلم چرایین

استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران رایانامه: Moslemch2015@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی الگوی آموزش مهارت‌محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه است. برای پاسخ به این سؤال از روش پژوهش نظریه داده‌بنیاد و با رویکرد کیفی و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MaxQDA استفاده شد؛ بنابراین پژوهش حاضر از نظر هدف در زمره پژوهش‌های بنیادی، از نظر روش تحلیل داده در زمره پژوهش‌های کیفی و از نظر گردآوری داده در زمره پژوهش‌های میدانی است. جامعه آماری پژوهش اساتید و خبرگان حوزه‌های مدیریت آموزشی و آموزش مهارت‌محور بودند. روش نمونه‌گیری، از نوع هدفمند بود که در مجموع با انجام ۱۰ مصاحبه با خبرگان به اشباع رسید. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود، روش تحلیل داده‌ها، کدگذاری نظری بر گرفته از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد بود. پس از انجام کدگذاری، ۱۹۸ کد باز استخراج شدند. پایایی مصاحبه‌ها با استفاده از روش پایایی کوهن مقدار ۰/۷۴ محاسبه شد که مورد تأیید قرار گرفت. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که پدیده محوری آموزش مهارت‌محور دارای سه مؤلفه تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی؛ مهارت ارزش‌آفرین و مهارت انسان‌ساز است. شرایط علی که سبب بروز پدیده الگوی آموزش مهارت‌محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه می‌شود، در چهار دسته قرار گرفتند. شرایط زمینه‌ای دارای ۵ مؤلفه اصلی بود. راهبردهای مناسب برای دستیابی به آموزش مهارت‌محور بر مبنای نیازهای واقعی جامعه در شش دسته جای گرفتند و در نهایت پس از اجرای الگو، پیامدهای حاصل از اجرای راهبردها در چهار مؤلفه منافع اقتصادی؛ پیامدهای مثبت اجتماعی و فرهنگی؛ پیامدهای مثبت فردی و پیامدهای آموزشی جای گرفتند.

کلیدواژه‌ها: آموزش مهارت‌محور، نیازهای واقعی جامعه، مهارت ارزش‌آفرین، مهارت انسان‌ساز

استناد به این مقاله: خسروی راد، عاطفه، اکبری، احمد، کریمی، محمد، و چرایین، مسلم. (۱۴۰۲). ارائه الگوی آموزش مهارت محور مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه. پژوهش‌های رهبری آموزشی، ۷(۲۸)، ۹۰-۱۲۸.
doi: 10.22054/JRLAT.2024.73746.1657

© ۲۰۱۶ دانشگاه علامه طباطبائی



ناشر: دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

در دنیای امروز، تغییرات سریع و پیوسته در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوری، نیاز به سیستم‌های آموزشی کارآمد و متناسب با نیازهای واقعی جامعه را بیش از پیش نمایان کرده است. به‌ویژه در حوزه آموزش و پرورش، توجه به مهارت‌های عملی و توانمندی‌های کاربردی به جای صرفاً تمرکز بر دانش نظری، به یکی از الزامات اساسی تبدیل شده است. در این راستا، طراحی و پیاده‌سازی الگوهای آموزشی که به‌طور مستقیم با نیازهای بازار کار و جامعه هم‌راستا باشد، نقشی کلیدی در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به دنیای حرفه‌ای و اجتماعی ایفا می‌کند.

افزایش بیکاری جوانان یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی جوامع امروزی در جهان است؛ به‌صورت مشابه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه نیز این امر وجود دارد. در طول دهه آینده، باید حداقل ۴۷۵ میلیون شغل جدید برای جذب ۷۳ میلیون جوان که در حال حاضر بیکار هستند و ۴۰ میلیون نفر برای ورود سالانه جدید در بازار کار به وجود آید (Unesco, ۲۰۱۶-۲۰۲۱). با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در ایران فقدان مهارت‌های موردنیاز بازار کار از سوی جویندگان کار است، ارائه آموزش‌های مهارتی نقش بسزایی در کاهش میزان بیکاری ایفا می‌کند (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۷).

فارغ‌التحصیلان ماهر که از طریق برنامه‌های حرفه‌ای آموزش تربیت می‌شوند برای اطمینان از رشد آینده اقتصادهای نوظهور حیاتی هستند (Jacobs et al., ۲۰۲۳). امروزه فارغ‌التحصیلان آموزش و پرورش به طیف گسترده‌ای از مهارت‌های قرن ۲۱ نیاز دارند تا در محل کار آینده خود پیشرفت کنند (Papier, ۲۰۲۱). مهارت‌های قرن بیست و یکم که به آن‌ها مهارت‌های قابل انتقال، اشتغال‌پذیری یا متقابل رشته‌ای نیز گفته می‌شود، طیف گسترده‌ای از شایستگی‌های مرتبط با عادات کاری، ویژگی‌های شخصی، روش‌های تفکر، فناوری و یادگیری را تشکیل می‌دهند (McGunagle & Zizka, ۲۰۲۰). فارغ‌التحصیلان با مهارت‌های قابل انتقال موردنیاز بیشتر قابل استفاده هستند و انتظار می‌رود در محل کار قرن بیست و یکم و صنعت ۴,۰ سرآمد باشند (Rakowska & de Juana, ۲۰۲۲; Li, ۲۰۲۱; Espinosa, ۲۰۲۱).

ولی پرداختن به آموزش بدون توجه به نتایج حاصل از اثربخشی آن، بی‌شک امر بیهوده‌ای است. مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد هم‌اکنون نمایش تأثیرات و

نتایج واقعی دوره‌های آموزشی به دغدغه‌ای تمام‌عیار برای واحدهای آموزشی تبدیل شده است؛ چه آنکه مدیران و سیاست‌گذاران سازمان‌ها در قبال هزینه‌ها و منابع صرف شده، خواهان گزارش‌های عملی و عینی درباره‌ی اثرگذاری واقعی دوره‌های آموزشی هستند. اگر مهارت‌های آموخته‌شده هرگز به محیط کار انتقال نیابد یا در شغل مورد تصدی و وظایف مرتبط با آن به کار بسته نشود، آموزش مهارت‌هایی را ایجاد کرده است که هیچ نفعی برای جامعه به همراه ندارد (لطفی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸).

امروزه، توسعه مهارت‌های قابل‌انتقال، به‌ویژه مهارت‌های مرتبط با تعامل و ارتباطات انسان-فناوری، یک نتیجه حیاتی از آموزش حرفه‌ای موفق برای برآورده کردن خواسته‌های صنعت مخصوصاً در جوامع اقتصادی نوظهور است (Jacobs؛ Spöttl & Windelband, ۲۰۲۱). هرچند در سه دهه گذشته تلاش‌های وافر و قابل‌تقدیری از سوی مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز برجای گذاشته است، لیکن هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبه‌رو است و برون‌داد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگویی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست (صادقی گوغری و همکاران، ۱۳۹۹). مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که سازمان‌های آموزش‌دهنده مهارت باید بر اساس چه الگویی مهارت‌های خود را به افراد ارائه دهند تا به خروجی موفق منجر شود (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ و به‌بیان‌دیگر تاکنون مدل علمی و عملیاتی توسعه آموزش‌های مهارتی ارائه نشده است (کاوسی و حسینی راد، ۱۳۹۶). بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در جهان و حتی کشورهای درحال‌توسعه با بازنگری در سیستم آموزشی خود، نظام‌های آموزشی جدیدی را تعریف کرده‌اند که این نظام آموزشی بتواند نیازهای واقعی جامعه را پوشش داده و رفع کند؛ اما نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران هنوز بر پایه نظام آموزشی نظری و تکلیف محور باقی‌مانده است. برای رفع این نیاز در کشور پژوهش‌هایی نظیر کیا لاشکی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش جهت ارتقای آموزش در مراکز علمی کاربردی؛ ادیب منش و صدر (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی؛ محمدیان و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان نقش تکالیف مهارت‌محور در پرورش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی؛ ناصری آلاشتی و همکاران (۱۳۹۹)

پژوهشی با عنوان الگوی بومی‌سازی برندینگ مهارت‌آموزی و کارآفرینی فردی و اجتماعی در مدارس ایران؛ لطفی جلال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی که تحت عنوان طراحی الگوی مهارت‌محوری برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای با استفاده از نظریه داده بنیاد؛ اکبری لنگوری و احمدی بالف (۱۳۹۸) تحت عنوان چرا تکلیف مهارت محور؛ محمدی و رحمانی (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر تکلیف مهارت‌محور و خلاق بر میزان یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی و دیگر پژوهش‌ها ارائه شده است؛ اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها در زمینه نیازهای واقعی جامعه و مهارت‌محوری دانش‌آموزان بر این مبنای سخنی به میان نیامده است و نیاز روزافزون جامعه ایران، به انجام پژوهش‌هایی منسجم برای پر کردن این خلأ پژوهشی احساس می‌شود. می‌توان این‌گونه بیان نمود که برای پر کردن یک فاصله، یعنی فاصله تکلیف محوری تا مهارت محوری نیازمند چراغ هدایتی هستیم که به ما کمک کند تا مسیر را درست طی کنیم. این چراغ هدایت نوعی برنامه‌ریزی آموزشی با نگاه راهبردی است که از دل پژوهش‌های حوزه نظام آموزش و پرورش استخراج خواهد شد. شاید نیاز باشد تا بررسی‌های بسیار زیادی در حوزه نظام آموزش و پرورش مهارت محور صورت بگیرد. اهمیت این پژوهش‌ها زمانی بیشتر نمایان می‌شود که مقایسه ساده از بازار کار بین کشور خود و کشورهای هم‌تراز خود داشته باشیم و نرخ اشتغال و نرخ بیکاری و جمعیت مولد و کارگر کشور را با کشورهای هم‌تراز خود مقایسه کنیم. در بسیاری از شاخص‌های ذکر شده این درد نهفته است که نظام آموزشی ما کارآمد عمل نمی‌کند، عدم کارایی و اثربخشی نامناسب نظام آموزشی به دلیل سبک نظام آموزشی است که چندین سال بدون تغییر باقی مانده است و فقط به دانش‌آموز و دانشجو حفظ کردن را یاد می‌دهد. باید این رویه تغییر کند و برای تغییر این رویه نیاز به الگوی جایگزین هستیم، الگویی جایگزین که با نگاه به جامعه، فرهنگ و بافت آموزشی کشور در راستای رفع نیازهای آموزشی کشور ارائه گردد. این الگوی آموزشی، الگوی آموزشی مهارت محور است.

پژوهش حاضر با هدف ارائه و تحلیل یک الگوی آموزش مهارت‌محور برای مدارس، تلاش دارد تا به بررسی و شناسایی الزامات و نیازهای واقعی جامعه پرداخته و راهکارهای موثری برای ادغام این نیازها در برنامه‌های آموزشی ارائه دهد. با نگاهی به تحولات جاری و تحلیل نیازهای بازار کار، این تحقیق به دنبال ارتقاء کیفیت آموزش و افزایش توانمندی‌های عملی

دانش‌آموزان از طریق پیاده‌سازی الگوهایی است که بتواند به‌طور مؤثر پاسخگوی چالش‌های موجود در بازار کار و جامعه باشد.

پیشینه پژوهش

دیجیتالی شدن و افزایش خودکارسازی، صنعت^۱ ۴،۰؛ محل کار آینده فارغ‌التحصیلان را شکل خواهد داد؛ بنابراین ارائه فارغ‌التحصیلان شاغل با توانایی برآوردن نیازهای حیاتی صنعت از دیدگاه سهامداران بسیار مهم است (Jacobs et al., ۲۰۲۳).

برنامه‌های حرفه‌ای به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش‌آموزان را در معرض کلاس‌های نظری و عملی قرار دهند که شامل مهارت‌های فنی و دانش محتوایی مرتبط با یک حرفه، حرفه یا رشته خاص است (Mikkonen et al., ۲۰۱۷). ارزش آموزش و آموزش مبتنی بر مهارت که در برنامه‌های حرفه‌ای گنجانده شده است، بسیار مهم است زیرا فارغ‌التحصیلان را برای موقعیت‌های خاص در صنعت آموزش می‌دهد و آماده می‌کند (Mulder, ۲۰۱۷). دانش‌آموزانی که در معرض آموزش‌های مبتنی بر مهارت قرار می‌گیرند، برای ورود به دنیای کار آماده می‌شوند و سطح دانش و مهارت آن‌ها انتقال نرم‌تری را فراهم می‌کند (Bakare, ۲۰۱۸). چنین فارغ‌التحصیلانی معمولاً صلاحیت دارند و می‌توانند بلافاصله و به‌طور مستقل در صنعت شروع به کار کنند (Peters, ۲۰۲۲؛ Mikkonen et al., ۲۰۱۷). در برآوردن الزامات صنعت، برنامه‌های حرفه‌ای طوری تنظیم شده‌اند که شامل توسعه مهارت‌های قابل‌انتقال موردنیاز برای آماده‌سازی موفقیت‌آمیز دانش‌آموزان برای محل کار باشد (Mulder, ۲۰۱۷).

فرهنگ سیاست‌های جامع آموزشی و تحصیلاتی اروپا^۲ (۲۰۰۸) مهارت را به‌عنوان توانایی انجام وظایف و حل مشکلات تعریف می‌کند. بنا به تعریف Abayomi Olumade (۲۰۱۳)، آموزش فنی و مهارتی، آموزشی است که دانش و مهارت‌های عملی موردنیاز برای کسب‌وکاری خاص، استخدام شدن یا ماهر و متخصص شدن در کسب‌وکار فعلی ارائه می‌دهد. این نوع آموزش به جنبه‌هایی از آموزش اشاره دارد که به کسب مهارت‌های کاربردی و عملی و دانش علمی پایه در زمینه شغل منجر می‌شود. سازمان یونسکو (۱۹۹۹)

۱. مرحله چهارم صنعتی شدن

۲. Terminology of European education and training policy

در همایش عمومی آموزش فنی و حرفه‌ای مشترک بین یونسکو و سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۱؛ آموزش فنی و مهارتی را این‌گونه تعریف نمود: «جنبه‌های مختلفی از فرایند آموزش، علاوه بر آموزش عمومی، آموزش فناوری‌ها و علوم مرتبط با فناوری، کسب مهارت‌های عملی و دانش مرتبط با شغل در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی» (عطاریا و همکاران، ۱۳۹۳). برای درک هر چه بهتر اصطلاح مرکب «آموزش‌های مهارتی» شایسته است اجزای تشکیل‌دهنده آن را دقیق‌تر بشناسیم. آموزش را کوششی دانسته‌اند که با هدف تغییر رفتار از طریق فرایند یادگیری انجام می‌شود و دانش، معرفت و مهارت لازم برای انجام رفتار مورد انتظار را به صورتی نسبتاً پایدار ایجاد می‌کند. از سوی دیگر واژه مهارت به کلیه توانایی‌های قابل پرورش افراد اطلاق می‌گردد که بر عملکرد کاری آنان تأثیرگذار است و برای اجرای وظایف شغلی یا انجام کاری در شرایط تعیین‌شده، لازم هستند. بر این اساس می‌توان منظور از آموزش‌های مهارتی را مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی دانست که توانایی‌های ضروری برای انجام وظایف شغلی و یا بروز رفتارهای مورد انتظار از مهارت‌آموز را تقویت کرده و به صورتی نسبتاً پایدار، بهبود می‌بخشد. همچنین بر طبق تعریف سازمان بین‌المللی یونسکو، آموزش مهارتی به جنبه‌های مختلفی از فرایند آموزش گفته می‌شود که علاوه بر آموزش عمومی، به آموزش فناوری‌ها و علوم مرتبط با فناوری نیز کسب مهارت‌های عملی و دانش مرتبط با شغل در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی انسان می‌پردازد. برخی دیگر از تعاریف ارائه شده از مفهوم «آموزش‌های مهارتی» یا «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای» به این ترتیب قابل ذکر هستند:

- فعالیت‌های آموزشی خاصی که فرد را برای احراز شغل، حرفه یا کسب‌وکار آماده می‌کند و یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهد.
- آموزشی که دانش و مهارت‌های عملی موردنیاز برای کسب‌وکاری خاص، استخدام شدن در شغل جدید یا افزایش تخصص در کار فعلی را ارائه می‌دهد.
- فعالیتی آموزشی که با هدف شناسایی و توسعه ظرفیت‌های انسانی و به‌منظور برخورداری از زندگی کاری خلاق و رضایت‌بخش انجام می‌گردد.
- مجموعه آموزش‌هایی که سبب ارتقای دانش و مهارت افراد شده و امکان به فعلیت رساندن استعدادهای نهفته آنان را افزایش می‌دهد.

- نوعی آموزش رسمی با هدف تأمین دانش و مهارت‌های موردنیاز در فرایندهای تولیدی و آماده‌سازی افراد برای انجام مشاغل.

- گونه‌ای خاص از آموزش که به کسب مهارت‌های کاربردی و عملی و دانش علمی پایه درباره شغل منجر می‌گردد (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۶).

پژوهش‌هایی بر روی دانش‌آموزان برای شناسایی مهارت‌های موردنیاز در عصر حاضر انجام شده است. در چندین مطالعه شامل Frichtel (۲۰۱۷)؛ Teng و همکاران (۲۰۱۹) و Tharumaraj و همکاران (۲۰۱۸) مهارت‌های مشترک ارتباط، کار گروهی و خلاقیت را به‌عنوان شایستگی‌هایی که احساس می‌کردند برای آینده‌شان حیاتی‌تر است شناسایی کردند (Kovalevsky, ۲۰۲۰). به‌عنوان مثال در پژوهش Frichtel (۲۰۱۷)، ۲۷ دانش‌آموز ابتدایی تجربیات خود را از کلاس رقص هفتگی در مدرسه به‌صورت مکتوب ثبت کردند. محققان با توصیف و نشان دادن ناامیدی‌ها، شادی‌ها و موفقیت‌های خود، رشد دانش‌آموزان را در ارتباطات، کار گروهی و خلاقیت مشاهده کردند، زیرا دانش‌آموزان از یکدیگر یاد می‌گرفتند و از یکدیگر یاد می‌گرفتند و به انتقاد و تمجید معلمان و همسالان پاسخ می‌دادند. با استفاده از روش کمی Tharumaraj و همکاران (۲۰۱۸)، ۱۹۷ دانش‌آموز دبیرستانی مالزیایی را موردبررسی قرار دادند. نوجوانان با بازتاب کودکان ابتدایی در شناسایی همان سه مهارت، سواد دیجیتال، نوآوری، حل مسئله و تفکر انتقادی را به‌عنوان مهارت‌هایی که پیش‌بینی می‌کردند برای آینده خود ضروری‌ترین مهارت‌ها هستند، اضافه کردند. با مشارکت بیشتر در این تحقیق، در یک نظرسنجی آنلاین، ۳۶۱ دانشجوی مالزیایی و چینی موافق بودند و دوباره ارتباط، کار گروهی و خلاقیت را به‌عنوان مهم‌ترین مهارت‌ها برجسته کردند.

شرکت‌کنندگان به همان اندازه مهم شامل تفکر انتقادی، خودمدیریتی، مهارت‌های بین‌فردی، توانایی کار تحت فشار، تمایل به یادگیری، توجه به جزئیات، مسئولیت‌پذیری، سازمان‌دهی، بینش، بلوغ، حرفه‌ای بودن و هوش هیجانی به‌عنوان مهارت‌های ارزشمند بودند. Teng و همکاران (۲۰۱۹) با ثبت نتایج مشابه، در یک مطالعه تجربی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با استفاده از فعالیت‌های یادگیری پروژه محور STEM، ۲۲ دانش‌آموز دبیرستانی ترکیه نشان دادند که مهارت‌های یکسان برای آن‌ها مهم است.

علاوه بر این، ۱۰۶ فارغ‌التحصیل کالج کسب‌وکار گزارش دادند که مهارت‌های ارائه، رهبری و مهارت‌های حل مسئله باید در کلاس‌های کارشناسی خود تأکید بیشتری شود. سایر محققان خاطرنشان کردند که در ۲۰ سال گذشته، ارزشی که فارغ‌التحصیلان برای مهارت‌های قرن ۲۱ قائل بودند افزایش یافته است. جالب توجه است که دانش‌آموزان در تمام گروه‌های سنی، از ابتدایی تا کالج و فارغ‌التحصیلان، مهارت‌های قرن بیست و یکم ارتباط، کار گروهی و خلاقیت را برای موفقیت آینده‌شان حیاتی می‌دانند (Kovalevsky, ۲۰۲۰). علاوه بر این، صنایع به دلیل مهارت‌های نرم ناکافی، مانند مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های رهبری، مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تفکر انتقادی و مهارت‌های مدیریت منابع، با فارغ‌التحصیلان با مشکلاتی مواجه هستند؛ بنابراین دانش‌آموزان باید علاوه بر مهارت‌های سخت، مهارت‌های نرم را نیز بیاموزند. در نتیجه، تأکید مؤسسات یادگیری امروزه بر روش‌های آموزشی است که مشارکت فعال فراگیران را در فرایندهای یاددهی - یادگیری تقویت می‌کند تا مهارت‌های نرم را در بین دانش‌آموزان گنجانده شود (Dogara et al, ۲۰۲۰).

Jacobs و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که اگرچه دانش‌آموزان مجبور بودند در طول همه‌گیری کرونا به کلاس‌های آنلاین تکیه کنند، اما همچنان مهارت‌های قابل انتقال حیاتی از جمله ارتباطات، کار تیمی، سازمان‌دهی، خود مدیریت، انعطاف‌پذیری، فناوری، فراشناخت و حل مسئله را توسعه دادند.

Papier (۲۰۲۰) این‌گونه بیان کرد که توافق کلی در مورد نیاز به آموزش و پرورش حرفه‌ای برای پذیرش فناوری‌های به اصطلاح مدرن در آماده‌سازی برای ارائه طیف وسیعی از شایستگی‌های قرن ۲۱ به جوانان وجود دارد که از جمله آن‌ها سواد دیجیتال، یادگیری خودگردان و یادگیری تطبیقی هستند.

Dogara و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که آماده‌سازی (برنامه‌ریزی و طراحی)، نظارت و ارزیابی WBL هرکدام تأثیر مثبتی دارند. توسعه مهارت‌های نرم در بین دانشجویان دانشکده فنی از طریق توصیه بر اساس یافته‌های مطالعه، دولت باید سیاست‌های مناسبی را برای ارتقای برنامه‌ریزی و طراحی در برنامه‌های WBL، به‌ویژه برای رفع نیازهای دانشجویان برای تلفیق کافی مهارت‌های نرم در دانشکده‌های فنی، تدوین و اجرا کند. معلمان فنی

می‌توانند عناصر شناخته‌شده توسط WBL را در ادغام تجربیات محل کار برای ارتقاء موفقیت‌آمیز مهارت‌های نرم دانش‌آموزان در دانشکده‌های فنی به کار گیرند.

Care و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان همسویی نظام آموزشی برای مهارت‌های قرن بیست و یکم: تمرکز بر ارزیابی انجام دادند. این مقاله نمونه‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی این تغییر را توصیف می‌کند و سپس بر چالش‌های اجرایی تمرکز می‌کند. این مقاله به‌صراحت بر موضوع ارزشیابی تمرکز کرد، اما تأکید می‌کند که هر اصلاح عمده در تغییر فلسفه آموزشی باید همسویی در سراسر حوزه‌های برنامه درسی، آموزشی و ارزشیابی را تضمین کند. تأکیدهای مختلف کشورهای برنامه درسی، آموزشی و ارزشیابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا اکثر کشورهای سراسر جهان نحوه برخورد با این چالش‌ها را بررسی می‌کنند. این مثال‌ها به این نتیجه می‌رسند که مدل‌های پیشرفت یادگیری کلیدی برای اطمینان از همسویی از طریق سیستم ارائه آموزش هستند.

Parry and Hayden (۲۰۱۵) بیان کردند که در زمینه رشد سریع اقتصادی، سیستم‌های توسعه مهارت‌ها در واکنش به شکاف‌های مهارتی ناشی از تغییر شرایط بازار کار برای کشورهای آسیای جنوب شرقی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند و کشورهای منطقه چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری در توسعه و نگهداری آنان ندارند.

Ofoha (۲۰۱۱) نشان داد که دانش‌آموزان نمونه مهارت‌های کارآفرینی قابل اشتغال قابل توجه در ۶ زمینه از ۳۶ حوزه شغلی را آموخته‌اند. همچنین، توانایی کارآفرینی آن‌ها پایین یافت، زیرا تولید قابل توجهی از کالاها و خدمات قابل فروش برای دانش‌عملی آن‌ها وجود ندارد. این مطالعه، در میان بقیه افراد، ادغام آموزش کارآفرینی در روند یادگیری-یادگیری را توصیه می‌کند، زیرا این امر دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا در شناسایی فرصت‌های کارآفرینی انگیزه داشته باشند.

کیا لاشکی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش جهت ارتقای آموزش در مراکز علمی کاربردی انجام دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در مجموع ۶ بعد اهداف شغلی، مربی، محیط، دانشجو، محتوا و مدیریت، ۲۸ مؤلفه و ۲۵۲ شاخص از ابعاد الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش می‌باشند.

ادیب منش و صدر (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام دادند. پژوهش آنان به طراحی

الگوی مطلوب ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخت. روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. شرکت‌کنندگان را ۱۵ نفر از صاحب‌نظران آموزش ابتدایی تشکیل می‌دادند برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل محتوای کیفی از نوع تفسیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان ابتدایی، در قالب سه زمینه کلی دانش، نگرش و توانش و توسط چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی انجام می‌گیرد. بر این اساس، دانش، نگرش و توانش در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند و همچنین عناصر اشاره شده برنامه درسی مهارت‌های زندگی در یک ارتباط چرخه‌ای قرار دارند که از هدف شروع شده و به ارزشیابی ختم می‌شوند و نتایج حاصل از ارزشیابی به صورت بازخورد به تدوین و بازنگری اهداف می‌انجامد. همچنین الگوی طراحی شده نشان داد که دوره ابتدایی، دوره پایه‌ریزی ساختار-شخصیتی، شکل‌گیری رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی و شخصیت آدمی و توسعه مهارت‌های بنیادی و حرکتی است، بنابراین لازم است به برنامه درسی مهارت‌های زندگی، ابعاد دانش، نگرش و مهارت به موازات هم و به‌طور یکسان مورد توجه قرار گیرند.

محمدیان و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان نقش تکالیف مهارت‌محور در پرورش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی انجام دادند. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این است که تکالیف مهارت‌محور با پرهیز از حافظه محوری، افزایش نشاط و لذت بردن از یادگیری، کاهش نگرانی‌های مخرب ناشی از انجام تکالیف سنتی، کاهش وزن کیف و جلوگیری از آسیب‌های جسمانی، ایجاد زمینه استمرار یادگیری دانش‌آموزان در داخل و خارج از مدرسه و معنادار سازی یادگیری موجب تقویت مهارت‌های زندگی و ارتقای سطح سلامت دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی می‌شود.

ناصری آلاشتی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که تأثیر تمامی ابعاد عوامل داخلی و خارجی بر برند سازی مهارت‌آموزی در جهت کارآفرینی فردی و اجتماعی مورد تأیید واقع شدند.

لطفی جلال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) بیان کردند که فاصله بین بخش صنعت و آموزش‌های دانشگاهی و نبود انطباق این آموزش‌ها با نیازهای بازار کار، منجر به افزایش مستمر بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی می‌شود؛ یافته‌های تحقیق در شش مقوله،

مقوله‌های علی، مقوله‌های راهبردی، مقوله‌های زمینه‌ای، مقوله‌های مداخله‌گر و پیامدها تقسیم‌بندی و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شد.

در پژوهشی که اکبری لنگوری و احمدی بالف (۱۳۹۸) بیان کردند که تکلیف درسی همواره به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تحقق یادگیری مطرح بوده و در هر دوره متناسب با برداشتی که از یادگیری وجود داشته، شکل و نوع تکلیف نیز متفاوت بوده است. آنچه از این پژوهش برمی‌آید، حاکی از آن است که تکلیف مهارت‌محور می‌تواند دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه آماده کرده و لذت یادگیری را در آنان افزایش دهد.

یافته‌های پژوهش محمدی و رحمانی (۱۳۹۸) حاکی از آن بود که تکلیف مهارت‌محور با پرهیز از حافظه‌محوری، افزایش نشاط و شوق یادگیری، کاهش استرس مخرب ناشی از تکلیف سنتی، کاهش وزن کیف دانش‌آموزان و تقویت مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان محسوب شده و موجب تثبیت، توسعه یادگیری مادام‌العمر و افزایش اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان می‌شود.

مقیم و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی آموزش مهارت‌محور جهت توسعه کارآفرینی رسانه‌ای انجام دادند. نتایج نشان داد: مهم‌ترین نگرانی مصاحبه‌شوندگان، نداشتن مهارت در افراد است. از این رو کسب مهارت، با مقولات اصلی منابع مالی، انسانی، آموزشی، مرکز آموزش، سازمان و خانواده، به‌عنوان مقوله محوری پژوهش تعیین شد.

نماینده و همکاران (۱۳۹۷) بیان کردند که مفهوم یادگیری مبتنی بر کار به‌طور فزاینده‌ای در سال‌های اخیر راه خود را در سیاست‌های آموزش و پرورش حرفه‌ای باز کرده است.

ایزدی و کوشکی (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان شناسایی و واکاوی شاخص‌های عمده در زمینه ارتقای مفهومی نظام آموزش‌های مهارتی به نهضت ملی مهارت‌آموزی در کشور ایران با بهره‌گیری از روش AHP انجام دادند. این تحقیق در راستای دستیابی به توسعه پایدار و بررسی چرایی و چگونگی تحقق فرضیه ارتقای مفهومی نظام آموزش‌های مهارتی به یک نهضت (رویداد) ملی مهارت‌آموزی در کشور ایران صورت پذیرفته است و در آن با استفاده از ۷ شاخص اصلی (در ابعاد کارت امتیازی متوازن و ابعاد پایداری) و ۴۹ شاخص فرعی، نظرات ۴۰ نفر از خبرگان متخصص در حوزه‌های مهندسی اجتماعی، تحقیق و توسعه،

صنعت، خدمات، کارآفرینی، کشاورزی و فرهنگ و هنر و... با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره AHP مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در پژوهشی که کاوسی و حسینی راد (۱۳۹۶) تحت عنوان ارائه مدلی برای توسعه آموزش‌های مهارتی در سازمان انجام داد. مدل نهایی توسعه آموزش‌های مهارتی در سه سطح فردی، گروهی سازمانی شامل مؤلفه‌های آموزش‌های مهارتی اقتصادی، آموزش‌های مهارتی اجتماعی، آموزش‌های مهارتی تکنولوژیک، آموزش‌های مهارت‌های سیاسی و آموزشی مهارتی فرهنگی ارائه شد که متناسب با هر یک پیشنهادهای جداگانه‌ای ارائه شد.

در پژوهشی که ادهم مهدی و شفیع‌زاده (۱۳۹۵) تحت عنوان بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران انجام دادند. بر اساس نتایج، سه مورد از مهم‌ترین چالش‌های آموزش مهارتی در کشور عبارت است از: فقدان مدل توسعه آموزش عالی، مشخص نبودن میزان سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش عالی کشور و فقدان مهارت‌های لازم در دانش‌آموختگان مراکز مهارت‌آموزی. سه مورد از مهم‌ترین راهبردهای آموزش مهارتی در کشور عبارت است از: تدوین و تنظیم سیاست‌های کلی آموزش‌های مهارتی، امکان افزایش ۵۰ درصدی سهم آموزش‌های مهارتی در برنامه ششم توسعه کشور و همگرا کردن سیاست‌ها و تصمیم‌های مربوط به آموزش‌های مهارتی با تأسیس «شورای ملی مهارت».

باقری فر و صالحی (۱۳۹۵) نتایج نشان دادند که ۱۰ چالش عمده در روند مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین هنرستان‌ها وجود دارد. از جمله این چالش می‌توان «به‌روز نبودن تجهیزات کارگاهی و کتب درسی»؛ «ناکافی بودن منابع مالی»؛ «به‌روز نبودن روش‌های آموزشی هنرآموزان»؛ «عدم جذب دانش‌آموز مستعد و علاقه‌مند»؛ «نبودن زمان کافی برای مهارت‌آموزی»؛ «دیدگاه منفی والدین نسبت به هنرستان‌ها»؛ «عدم ارتباط لازم بین مهارت‌آموخته‌شده با نیازهای بازار کار»؛ «مشکل ادامه تحصیل» و «حمایت ناکافی رسانه‌ها از مهارت‌آموزی» را نام برد که هر یک، مشکلات بسیار جدی در پویایی فرایند مهارت‌آموزی هنرستان‌ها و تربیت هنرجویان کارآفرین ایجاد کرده است.

تقوی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان نیازسنجی آموزش‌های مهارتی بر اساس سند آمایش سرزمین در بخش صنعت (مطالعه موردی: شهرستان‌های ساری و قائم‌شهر) انجام دادند. نتایج تحقیق، دوره‌های موردنیاز بخش صنعت شهرستان‌های ساری و

قائم شهر را بر اساس سند آمایش سرزمین استان نشان داد که از میان دوره‌های استخراج شده، به ترتیب دوره‌های آموزشی اصول بازاریابی، حسابداری مالی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و نگهداری تجهیزات در واحدهای صنعتی از دیدگاه صاحبان صنایع، اساتید و کارشناسان دارای بیشترین اولویت بوده‌اند.

مهدی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم انجام داد. آن‌ها بیان کردند که دانشگاه مدرن از بدو پیدایش، سه نسل مختلف را تجربه کرده است. بر اساس این تحقیق، شکل‌گیری و اثربخشی دانشگاه کارآفرین، بدون توسعه نظام مند آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی مؤثر دانشجویان، استادان، مدیران و کارکنان نظام دانشگاهی و تقویت ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی دانشگاه، امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، یکی از وجوه و منظرهای کلیدی دانشگاه نسل سوم (کارآفرین)، توسعه مهارت‌های شغلی، حرفه‌ای و شایستگی‌های و توانمندسازی دانشجویان و استادان همسو با فرایند توسعه ملی و حل مسائل جامعه به روش علمی است.

قاسمیان (۱۳۹۴) بیان می‌کند که از مهم‌ترین مسائل مبتلا به بازار کار کشور آن است که دانشگاه‌ها در رشته‌های گوناگونی بدون توجه به نیاز واقعی بازار کار دانشجو تربیت می‌کنند، اما بازار کار تنها به آن بخشی از فارغ‌التحصیلان توجه دارد که بتواند نیاز واقعی خود به نیروی کار را برطرف کند. ناتوانی دانشگاه‌ها یا بی‌توجهی دانشجویان به لزوم کسب مهارت‌های شغلی موردنیاز بازار کار، باعث شده تا همواره نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که انتظار می‌رود در وضعیت مناسبی باشد، بیش از سایر گروه‌ها و تا دو برابر متوسط نرخ بیکاری کشور باشد. در این میان آموزش‌های مهارتی نقش مهمی را در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروی کار ماهر موردنیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند.

سلیمی و همکاران (۱۳۹۴) مروری بر مطالعات نشان دادند که در بین پژوهش‌ها، موضوع ارائه مدل و یا چارچوب استاندارد برگزاری آزمون‌های عملی مهارت در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور چندان موردتوجه پژوهشگران قرار نگرفته است و موضوعی جدید در ادبیات آموزش‌های سازمان به شمار می‌رود.

گودینی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان افزایش میزان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار به مراکز فنی و حرفه‌ای برای طی دوره مهارت‌آموزی در رشته‌های مختلف و

خوداشتغالی در سال‌های اخیر (یک بررسی چهارساله). انجام دادند. او با توجه به مقادیر به‌دست‌آمده گفت در شرایط فعلی روزبه‌روز بر میزان اهمیت و علاقه‌مندی به سپری کردن دوره‌های مهارت‌آموزی کاربردی در سازمان در بین اقشار جوان و تحصیل‌کرده با گرایش‌های مختلف بیشتر می‌شود.

میر قادری (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی مهارت‌آموزی و اشتغال در خوشه‌های صنعتی از دیدگاه پویایی‌شناسی سیستم انجام داد. وی بیان کرد که خوشه سازی بنگاه‌های تولیدی یکی از راهبردهای توسعه صنعتی است که به‌تازگی از سوی مراکز آکادمیک و سیاست‌گذاران مورد اقبال زیادی واقع شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که چرخه‌های علی توسعه اشتغال و مهارت‌آموزی در خوشه‌های صنعتی به‌هم‌پیوسته و دارای متغیرهای اثرگذار مشترک است. روابط علی به‌گونه‌ای است که اثر متغیرها بر سطح اشتغال و مهارت خوشه یکسان است، به‌جز تکنولوژی که دارای اثر متفاوت بر این دو متغیر است. بر اساس یافته‌های تحقیق، دولت بایستی در راستای افزایش تقاضای محصول خوشه گام بردارد تا در نتیجه چرخه‌های علی، سطح اشتغال به‌طور طبیعی افزایش یابد.

خاوری و گرزین (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی نظام آموزش مهارتی انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود آسیب‌های متعدد در هر دو نوع بیرونی و درونی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای بود. مهم‌ترین این آسیب‌ها، عدم هماهنگی آموزش‌ها با نیاز بازار کار، کمبود افراد متخصص برای ارائه برخی از آموزش‌های مهارتی، کمبود تسهیلات مالی و اعتباری است، از دیگر آسیب‌ها عدم به‌روزرسانی امکانات و تجهیزات موردنیاز آموزش، عدم مواد مصرفی مکفی برای انجام کارهای کارگاهی و همین‌طور عدم حمایت از افراد کارآفرین و نخبه‌مهارتی است.

صالحی عمران (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور انجام داد. دو عامل «نبود یک سیاست‌گذار کلان‌نیروی انسانی در کشور» و «عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه‌کننده خدمات آموزش مهارتی در جامعه» مهم‌ترین آسیب در بعد ساختاری شناخته شدند. در بعد رفتاری و محتوایی هم مهم‌ترین آسیب عوامل «عدم دسترسی کافی به اطلاعات بازار کار» و «عدم بهره‌مندی نظام آموزش مهارت از منابع انسانی مناسب این نظام» شناخته شدند. در بعد محیطی و زمینه‌ای، عوامل «دخالت قدرت سیاسیون در توسعه کمی آموزش‌های مهارتی» و «تقاضامحور نبودن آموزش‌های مهارتی، چالش

اصلی آموزش‌های مهارتی است» که جزو مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزش مهارتی کشور قرار گرفتند.

فرخی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان آینده‌پژوهی در توسعه آموزش‌های مهارت بنیان تقاضامحور انجام دادند. وی بیان کرد که تعیین تقاضای نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادی برای سال‌های آتی، در حقیقت پیش‌بینی نیروی انسانی برای عرضه آموزش‌های مهارت بنیان و برنامه‌های کمی توسعه‌ای با رویکرد آینده‌پژوهی بود.

روش

پژوهش حاضر به شناسایی و تبیین آموزش مهارت‌محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه و ارائه الگویی برای آن می‌پردازد. از این رو، این تحقیق از نوع اکتشافی است و با استفاده از رویکرد آمیخته (کیفی و کمی) اجرا شده است. با توجه به جدید بودن موضوع پژوهش و کمبود نظریه‌های موجود در این زمینه در کشور ایران، همچنین عدم پاسخگویی تحقیقات پیشین به سوالات پژوهش، از نظریه داده‌بنیاد به عنوان روش پژوهش استفاده شد. این روش استقرایی به تحلیل داده‌ها از جزئیات به کلیات می‌پردازد (Myers et al, ۲۰۱۳).

در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری به‌طور هدفمند انجام شد و اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری شد. برای گردآوری داده‌های کیفی و واقعی، با ۱۰ نفر از متخصصان در زمینه‌های مدیریت آموزشی و آموزش مهارت‌محور مصاحبه شد. اگرچه از مصاحبه هشتم به بعد اطلاعات تکراری مشاهده شد، ۱۰ مصاحبه به منظور اطمینان بیشتر انجام شد. فرآیند گردآوری اطلاعات از فروردین تا مرداد ۱۴۰۱ به طول انجامید. سؤالات پروتکل مصاحبه به‌منظور پاسخ به یک سؤال اصلی و شش سؤال فرعی طراحی شد. در طول مصاحبه‌ها، علاوه بر یادداشت‌برداری و ضبط صدا، سؤالات کاوشی نیز به تناسب شرایط و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش اشتراوس و کوربین انجام شد. محقق با مقایسه مداوم داده‌ها، کدگذاری متن مصاحبه‌ها، یادداشت‌های عرصه و موارد ثبت‌شده، و فرایندهای مفهوم‌سازی، تفسیر و نظریه‌سازی، به استخراج جوهره اصلی اطلاعات پرداخت. هر مصاحبه قبل از مصاحبه بعدی کدگذاری و تحلیل شد. برای تحلیل داده‌ها، مراحل کدگذاری باز،

محوری و انتخاب انجام شد. مرور مکرر داده‌ها، کدها، و طبقات پدیدار شده، یادآورنویسی‌ها و دیاگرام‌های تحلیل به شناسایی متغیر اصلی مطالعه کمک کرد. برای تأیید پایایی از ضریب کاپای کوهن استفاده شد. مجموعاً ۱۹۸ کد در اختیار این دو کدگذار گذاشته شد و نظرات آنان به صورت زیر گردآوری شد.

جدول ۱. مقادیر توافق و عدم توافق

ب			
بله	خیر		
۱۵۵	۷	بله	الف
۸	۲۸	خیر	

درصد توافق نظرات برابر تقسیم $۱۵۵ + ۲۸$ بر جمع ۱۹۸ که برابر است با مقدار $۰/۹۲۴$ است. در نتیجه $Pr(a) = ۰/۹۲۴$

خواننده الف به ۱۶۲ کد «بله» گفته است و به «۳۶» کد نه گفته است. پس کدگذار الف در $۰/۸۱۸$ بله گفته است. کدگذار ب به ۱۶۳ کد بله گفته است و به ۳۵ کد خیر گفته است، در نتیجه این کدگذار در $۰/۸۲۳$ بله گفته است. پس احتمال اینکه با هم بله بگویند برابر است $۰/۸۱۸ * ۰/۸۲۳$ که برابر است با $۰/۶۷۳$ و احتمال اینکه با هم نه بگویند برابر است با $۰/۱۸۱ * ۰/۱۷۷$ که برابر است با $۰/۰۳۲$

$$Pr(e) = ۰/۶۷۳ + ۰/۰۳۲ = ۰/۷۰۵$$

$$۰/۹۲۴ - ۰/۷۰۵ = ۰/۲۱۹$$

$$۱ - ۰/۷۰۵ = ۰/۲۹۵$$

$$۰/۲۱۹ \div ۰/۲۹۵ = ۰/۷۴۲$$

بر اساس محاسبات ضریب کاپا در این پژوهش برابر با $۰/۷۴۲$ بود.

در بخش کمی پژوهش ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بر اساس یافته‌های کیفی بود. این پرسشنامه برای آزمون مدل پرسشنامه در بین معلمان آموزش و پرورش در استان خراسان رضوی که تعداد آنها بیش از ۹۰ هزار نفر بودند، توزیع شد. در این بخش از شیوه نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد بر اساس جدول مورگان حداقل حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر بود که برای این امر تعداد ۵۰۰ پرسشنامه در بین جامعه آماری با استفاده از روش نمونه

گیری توزیع شد و پرسشنامه‌ها در اختیار افراد قرار داده شد. تعداد ۴۴۳ پرسشنامه به محقق برگردانده شد که برای تجزیه و تحلیل از آن استفاده شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از سه معیار؛ ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی مرکب و پایایی همگون و برای و روایی (همگرا) از میانگین واریانس استخراج شده استفاده شد. ضریب پایایی کرونباخ، پایایی همگون و پایایی مرکب سوالات بین ۰/۷ و ۱ محاسبه می‌شود که هر چقدر به ۱ نزدیک‌تر باشد، مطلوب‌تر است (Henseler and et al., ۲۰۱۵). مقادیر میانگین واریانس استخراج شده^۱ نیز باید بیشتر از مقدار ۰/۵ برای این شاخص توصیه شده است؛ این امر به معنای آن است که سازه مورد نظر حدود ۵۰ درصد واریانس نشانگرهای خود را تبیین می‌کند. در صورتی که سه شرط $AVE > 0,5$ ؛ $CR > 0,7$ ؛ $CR > AVE$ برقرار باشد می‌توان گفت که روایی همگرا قویاً مورد تأیید است (Bahmani, Mahdavi rad and & Balouchi, ۲۰۱۶). که در مؤلفه‌های پژوهش حاضر سه شرط مورد تأیید است و می‌توان گفت که مؤلفه‌ها دارای روایی همگرا هستند. مقادیر محاسبه شده برای متغیرهای پژوهش در جدول زیر نشان داده شده‌اند.

جدول ۱. مؤلفه‌های پرسشنامه و شاخص‌های پایایی

مؤلفه‌ها	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی مرکب	پایایی همگون	آلفای کرونباخ
راهبردها	۰,۵۳۲	۰,۹۱۱	۰,۸۹۱	۰,۸۹۲۰
شرایط زمینه ای	۰,۷۴۵	۰,۹۲۱	۰,۹۰۹	۰,۸۸۶
شرایط علی	۰,۶۹۴	۰,۹۳۱	۰,۹۱۵	۰,۹۱۲
پدیده محوری	۰,۷۸۶	۰,۸۸	۰,۷۹۳	۰,۷۳۵
پیامدها	۰,۶۳۷	۰,۸۹۷	۰,۸۶	۰,۸۵۷
کنترل مداخله گرها	۰,۶۲۱	۰,۹۰۸	۰,۸۹۲	۰,۸۷۹

یافته‌ها

در این مرحله از پژوهش، متن هر مصاحبه چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و جملات اصلی استخراج شد و به صورت کدهای متنی (بر اساس گفته‌های مشارکت کننده) یا کدهای

^۱ Average Variance Extracted (AVE)

دلالت‌کننده (تفسیر پژوهشگر) ثبت گردید. سپس کدهایی که از نظر مفهومی مشابه بودند، در دسته‌های مربوط به هم قرار گرفتند. تعداد کدهای باز به دست آمده به ۱۹۸ رسید. مرحله بعدی کدگذاری محوری بود که شامل فرآیند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی است. در این مرحله، کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند و با یکدیگر مرتبط بودند، در حول محور مشترکی سازماندهی شدند. برای این منظور، مقایسه مداوم کدها ضروری بود تا اطمینان حاصل شود که طبقه‌ها از یکدیگر متمایز هستند. سپس با تمرکز بر شرایطی که به پدیده مورد نظر منجر می‌شد، زمینه‌های وقوع پدیده و راهبردهای کنترل آن، کدگذاری انتخابی انجام شد و متغیر اصلی مشخص گردید. خلاصه‌ای از فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی داده‌های پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) داده‌های پژوهش (منبع: پژوهش حاضر)

مقوله‌های اصلی	مؤلفه‌ها	کدهای باز
بازیگران کلیدی (۸ کد)	---	نظام آموزش و پرورش؛ دولت و سیاست‌های دولت؛ سیاست‌گذاران کلان جامعه؛ معلمین (دانش، آمادگی و مهارت)؛ خانواده‌ها؛ دانش‌آموز (هنرجو)؛ مدیران مدرسه؛ کادر اجرایی مدارس
فشارهای عصر جدید برای تغییر (۴ کد)		ظهور نسل جدید (مخصوصاً نسل زد در دنیا و ایران)؛ سرعت و رشد فناوری در جامعه و تغییر و تحولات آن؛ ظهور کسب‌وکارهای جدید و سقوط کسب‌وکارهای سنتی؛ سیاست‌های در حال تغییر در ایران (مخصوصاً نقشه‌ها و راهبردهای آموزش و پرورش)
فشار نیازمندی‌های جامعه (۶ کد)		کمبود ظرفیت جذب دولتی؛ نیاز جامعه (اقتصادی) و نیاز به نیروی کار متفاوت در جامعه؛ نیاز جامعه به کسب‌وکارهای خانگی و روستایی؛ و جو مشکل بیکاری و کاهش نیروی کاری در آینده؛ نیاز اقتصادی افراد جامعه و وجود مشکل فقر و اشیاع مشاغل در جامعه و ظهور مشاغل جدید
شرایط علی (۲۱ کد باز)	عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی در برابر نظام مهارت‌محور (۸ کد)	عملکرد عالی و مناسب خروجی‌های قبلی نظام مهارت‌محور؛ پیدا نکردن افراد مناسب برای مشاغل در نظام آموزشی غیر مهارتی؛ نداشتن مهارت کافی مستخدمین در نظام غیر مهارتی؛ عدم اعتماد به نفس افراد در مشاغل به دلیل نداشتن مهارت؛ سرخوردگی محصلین در نظام غیر مهارتی نسل قبلی در جامعه به دلیل عدم موفقیت؛ نبود مهارت در تحصیل کنندگان قبلی (عدم توانمندی فارغ‌التحصیلان نظام آموزش غیر مهارت‌محور) و دانش بدون عمل و علم بدون استفاده در نظام آموزشی غیر مهارت‌محور
باورهای فرهنگی جامعه (۳ کد)		تغییر در سطح بینش و دید خانواده‌ها در زمینه تحصیلات و تغییر نگرش مردم جامعه؛ عدم توان ادامه تحصیل برخی از دانش‌آموزان در دانشگاه و ازدواج زودرس دانش‌آموزان مخصوصاً در مناطق محروم و روستایی

مقوله‌های اصلی	مؤلفه‌ها	کدهای باز
	تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی (۳ کد)	مهارت‌های زندگی محور (مهارت‌های تأثیرگذار در زندگی)؛ مهارت برای رفع نیازهای فردی؛ مهارت مواجهه و حل با مشکلات
پدیده محوری (۱۶ کد)	مهارت ارزش‌آفرین و خلق‌کننده ثروت (۶ کد)	مهارت سخت (فنی)؛ مهارت کاربردی و مفید برای جامعه؛ مهارت بازارگرا؛ مهارت اشتغال‌ساز (منجر به شغل و کار در جامعه شود)؛ مهارت‌های شغلی موردنیاز جامعه (مهارت‌های تأثیرگذار بر شغل)؛ مهارت منجر به درآمد
	مهارت انسان‌ساز (۷ کد)	مهارت اخلاقی و رفتاری؛ مهارت علاقه محور؛ مهارت توانمندساز؛ مهارت مبتنی بر کشف استعداد؛ ارتقا استقلال شخصی و فکری؛ مهارت‌های نرم (اخلاقیت محور)؛ تفکر نقادانه؛ حل مسئله؛ تصمیم‌گیری؛ همکاری؛ ترکیبی از مهارت‌ها
	سیاست‌گذاری سیستم‌های نوین آموزشی	سیاست‌های آموزش و پرورش (حمایت‌گرانه)؛ طراحی نظام جدید آموزش
	ارتقا منابع انسانی مهارت محور (۳ کد)	جو مناسب مدارس مهارت محور (فنی و حرفه‌ای و کاردانش)؛ نیروی انسانی موردنیاز (مدیران، معلمان و هنرآموزان مخصوصاً معلمان و هنرآموزان کارآموزده)؛ انگیزه‌های اجتماعی و فردی هنرجویان
شرایط زمینه‌ای (۱۶ کد)	تأمین امکانات و زیرساخت‌های مادی (۳ کد)	بودجه مناسب مدارس؛ تجهیزات و زیرساخت‌های موردنیاز مخصوصاً مدارس بر اساس نیاز (مانند کارگاه و ...)؛ محتوای درسی مناسب و بازیابی محتوای کتب درسی
	بستر مناسب تکمیل‌کنندگان آموزش مهارت محور (۵ کد)	داشتن دید مناسب در مؤسسات کاریابی؛ اقتصاد پویا و نیازمند مهارت‌محوری؛ صنعت حمایتگر؛ دانشگاه حامی؛ پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی فعال
	باورهای فرهنگی جامعه و خانواده‌ها (۳ کد)	جو روانی جامعه (حامی مهارت‌محوری)؛ جو روانی خانواده (حامی مهارت‌محوری)؛ اولویت بودن مهارت بر ثنوری در جامعه
	نگاه منفی به فنی حرفه‌ای و هنرستان؛ نگاه نامناسب و تفکر غلط در جامعه در زمینه جریان‌های فکری و فرهنگی جامعه (۵ کد)	آموزش مهارت‌محور؛ شعارزدگی جامعه و بی‌انگیزه بودن در بخش مهارت‌محوری؛ عدم استقبال از رشته‌های جدید در جامعه؛ گرایش جامعه به رشته‌های خاص و توسعه این رشته‌ها در جامعه
شرایط مداخله‌ای (۵۹ کد)	باورهای غلط خانواده‌ها (۴ کد)	فشار خانواده و جو روانی آن (قیدوبندهای خانواده‌ها)؛ نگاه والدین به درس نظری (نگرش خانواده)؛ عدم آگاهی خانواده از نظام آموزشی و نمره‌گرایی؛ تصمیمات پدر و مادر (تصمیمات خانواده‌ها برای فرزندان و عدم توجه به علاقه و استعداد هنرچوها)
	عدم درک مهارت‌محوری در نظام سیاست‌گذار کشور (۳ کد)	درک نادرست مسئولین کشوری حتی وزارت از مهارت‌محوری؛ نگاه نامناسب مشاوران مدارس؛ درک نادرست مدیران از مهارت‌محوری

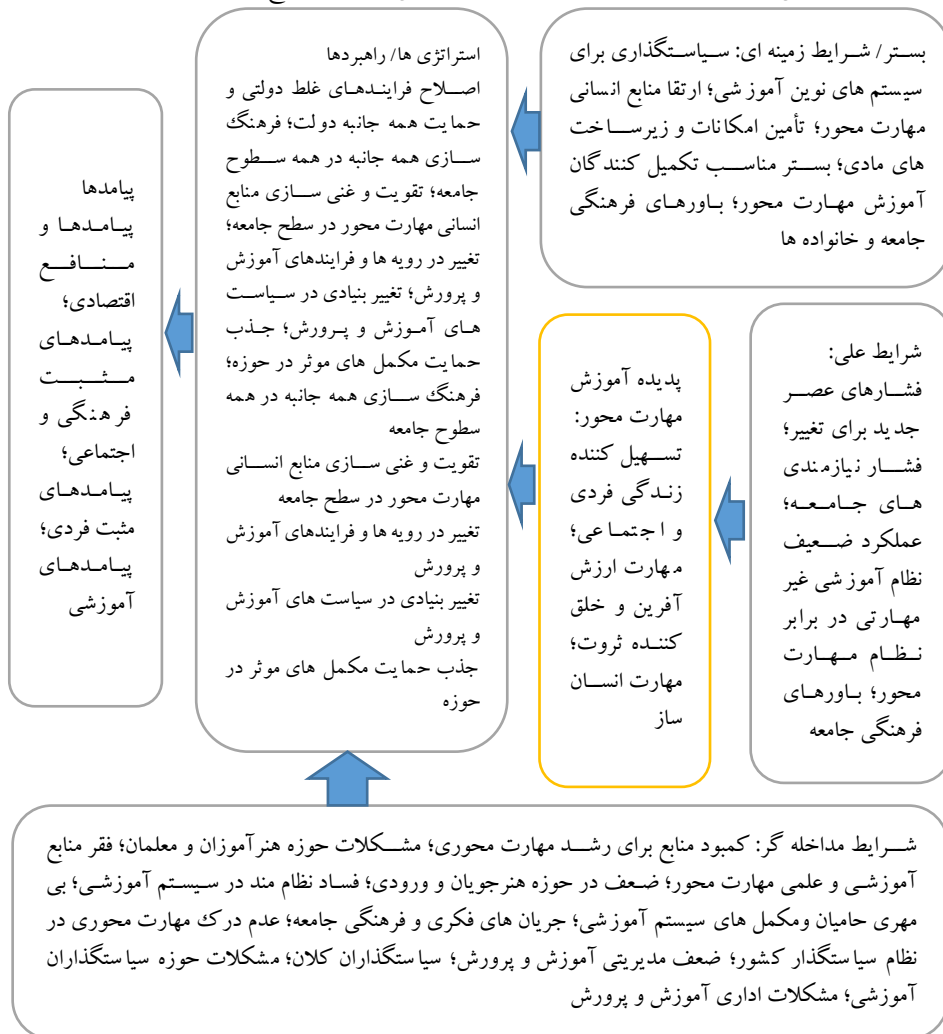
مقوله‌های اصلی	مؤلفه‌ها	کدهای باز
	ضعف مدیریتی آموزش و پرورش (۳) (کد)	به‌کارگیری مدیران ضعیف و نالایق در بدنه آموزش و پرورش کشور؛ عدم آینده‌نگری مدیران آموزش و پرورش؛ عدم توجه دولتمردان و مسئولین آموزش و پرورش به آموزش مهارت‌محور
	سیاست‌گذاران کلان (۴) (کد)	تصمیمات مبتنی بر منافع حزبی به‌جای منافع ملی؛ وضعیت آشفتنه و نابسامان برنامه‌ریزی‌های کلان؛ سیاست‌گذاری نادرست جامعه؛ شعارزدگی مسئولان
	مشکلات حوزه سیاست‌گذاران آموزشی (۵) (کد)	سیاست‌زدگی نظام آموزش و پرورش و سلطه نظام سیاسی بر نظام آموزشی کشور؛ شخص‌محور بودن سیاست‌های آموزش و پرورش؛ طراحی سیستم آموزشی دستوری و از بالا؛ بی‌مهری مسئولان به سیستم فنی حرفه‌ای و هنرستان و توجه صرف به دروس نظری؛ عدم پشتیبانی آموزش و پرورش از آموزش مهارت‌محور
	مشکلات اداری آموزش و پرورش (۳) (کد)	نظام اداری سنتی در آموزش و پرورش و نظام‌مند نبودن سیستم آموزش کشور؛ نبود سیستم انگیزشی معلمان (در آموزش و پرورش)؛ نبود سیستم ارزیابی عملکرد مناسب در آموزش و پرورش
	کمبود منابع برای رشد مهارت‌محوری (۶) (کد)	عدم تخصیص بودجه مناسب و کمبود بودجه‌ای مدارس و فشار مالی؛ کمبود امکانات و تجهیزات مدارس مخصوصاً برای رشته‌های جدید تخصصی؛ هزینه‌بر بودن تأمین زیرساخت‌ها مخصوصاً رشته‌های مادر؛ کمبود تجهیزات و امکانات؛ نبود فضای آموزشی مناسب؛ کمبود پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی
	مشکلات حوزه هنرآموزان و معلمان (۶) (کد)	نبود دوره‌های ضمن خدمت و پویا و دوره‌های ضمن خدمت ناکارآمد؛ عدم آمادگی معلمان و کمبود معلمان کارآموده؛ انگیزه پایین معلمان؛ نوع نگاه معلم‌ها؛ عملکرد ضعیف معلم‌ها در دروس مهارت‌محور؛ از دست رفتن جایگاه معلم در جامعه
	فقر منابع آموزشی و علمی مهارت‌محور (۵) (کد)	رشته‌های بیش‌ازحد تخصصی‌شده در مهارت‌محوری؛ اهمیت تک‌جانبه دروس نظری؛ محتوای درسی منسوخ‌شده؛ غیرکاربردی و عدم تغییر سرفصل‌ها و عدم انعطاف‌پذیری سرفصل‌های آموزشی؛ به‌روز نشدن سرفصل‌ها متناسب با بازار کار و هزینه‌بر بودن تغییرات؛ کمبود منابع درسی و آموزشی
	ضعف در حوزه هنرجویان و ورودی (۴) (کد)	ورودی‌های ضعیف مؤسسات (سطح دانش‌آموزان) در فنی و حرفه‌ای و کار دانش؛ کمبود هنرآموز و هنرآموزان غیرتخصصی؛ استعدادیابی نادرست در ورود هنرآموزان؛ عدم ارتباط دانش‌آموزان با محیط کار و عدم درک وی از محیط کار
	فساد نظام‌مند در سیستم آموزشی (۳) (کد)	رانت و فساد در آموزش و پرورش؛ نظام آموزشی فاسد در بخش خصوصی؛ ذی‌نفعان وضع موجود (مافیای کنکور)
	بی‌مهری حامیان و مکمل‌های سیستم آموزشی (۷) (کد)	مصرف‌گرا و وارداتی بودن جامعه؛ مسئله مدرک‌گرایی در اشتغال و کار؛ مدرک‌گرایی دولتی در استخدام؛ برون‌سپاری نظام آموزشی توسط دولت؛ عدم تمایل بخش خصوصی به کار با دولت؛ بی‌اعتمادی صنایع به نظام آموزشی کشور؛ عدم هماهنگی نظام آموزشی با صنعت و بخش خصوصی و ضعف ارتباطی؛ عدم حمایت ارگان‌های دولتی و خصوصی از آموزش و پرورش (مخصوصاً عدم حمایت صنعت)
راهبردها (۵۱) (کد)	اصلاح فرایندهای غلط دولتی و حمایت همه‌جانبه دولت (۸) (کد)	جدا کردن برنامه‌های آموزشی از سیاست کشور (سیاست‌زدایی از آموزش و پرورش)؛ طراحی چشم‌انداز بلندمدت آموزشی برای آموزش و پرورش؛ پرهیز از اهداف و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت؛ تغییر رویه‌ها و قوانین استخدامی دولت به سمت مهارت‌مور؛ افزایش آزمون‌های عملی در استخدام؛ حمایت دولت و تبلیغات گسترده سیاست‌گذاران؛ تبلیغات از رسانه ملی و آموزش و پرورش؛ کاهش مدرک‌گرایی

مقاله‌های اصلی	مؤلفه‌ها	کدهای باز
	فرهنگ‌سازی همه‌جانبه در همه سطوح جامعه (۷ کد)	فرهنگ‌سازی (خانواده، مشاوران و آموزش‌وپرورش)؛ تغییر نگاه مشاوران آموزش‌وپرورش؛ تغییر نگاه مدیران رده‌بالای آموزش‌وپرورش؛ تغییر باور و نگاه جامعه (خانواده و دانش‌آموز)؛ جلب حمایت خانواده و جامعه از هنرستان؛ کم‌رنگ کردن مسئله نمرات؛ تغییر نگاه کاربایی‌ها
	تقویت و غنی‌سازی منابع انسانی مهارت‌محور در سطح جامعه (۹ کد)	فراهم‌آوردن اشتغال معلمین در جامعه؛ احیای جایگاه معلم در جامعه؛ اشتراک آموزشی (تجربه و دانش) بین هنرآموزان؛ حمایت اقتصادی معلمین؛ تربیت و به‌کارگیری نیروی متخصص در آموزش‌وپرورش؛ استفاده از مشاوران زبده‌تر؛ تقویت خروجی مهارتی (توان مهارت‌آموزان)؛ افزایش دوره‌های ضمن خدمت (هم کیفی و هم کمی)؛ آموزش ضمن خدمت قوی (بهبود کیفیت دوره‌ها و کاربردی کردن محتوای آن)
	تغییر در رویه‌ها و فرایندهای آموزش‌وپرورش (۹ کد)	استفاده از روش‌های نوین آموزش؛ نزدیک کردن هنرستان به بازار کار؛ برنامه‌های هدایت تحصیلی (استعدادیابی درست)؛ افزایش ساعات مهارت‌آموزی و کاهش دروس غیرضروری؛ تنوع بیشتر در مهارت‌ها؛ تغییر در محتوای درسی؛ مهارت‌محور شدن کلیه دروس؛ رفتن به سمت مهارت‌های عملی و واقعی و کاربردی کردن؛ تخصصی‌تر شدن رشته‌های دانشگاهی ادامه‌دهنده آموزش مهارت‌محور
	تغییر بنیادی در سیاست‌های آموزش‌وپرورش (۱۲ کد)	تهیه امکانات و تجهیزات موردنیاز و تجهیز کردن مدارس؛ اختصاص بودجه مناسب (سرانه آموزشی مناسب)؛ توسعه نظام آموزش پودمانی؛ آموزش از پایه و شروع سیاست‌گذاری آموزشی از پایه؛ برنامه‌ریزی آینده‌نگر؛ استفاده از ظرفیت‌های محلی - منطقه‌ای؛ سیاست‌گذاری منطقه‌ای آموزش‌وپرورش؛ سیاست ارتقا معلمین بر مبنای مهارت‌آموزی؛ تغییر متولیان سیستم آموزشی (اعطای حق امتیاز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به مسئولان فنی و حرفه‌ای)؛ تغییر رویه‌های اداری آموزش‌وپرورش؛ برنامه‌ریزی آموزشی همه‌جانبه؛ کاهش فساد و رانت در نظام آموزشی
	جذب حمایت مکمل‌های مؤثر در حوزه (۶ کد)	افزایش حمایت فکری ارگان‌های مختلف؛ حمایت صنعت و دانشگاه از مهارت‌های موردنیازشان؛ تقویت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای فعالیت در بخش آموزش؛ کسب اعتماد صنایع؛ هماهنگ‌سازی قوانین آموزشی بین ارگان‌های مختلف متولی؛ هماهنگی بین بخش‌های مختلف تأثیرگذار (خصوصی و دولتی)
	پیامدها و منافع اقتصادی (۶ کد)	پویایی اقتصاد و کارآفرینی؛ ایجاد اشتغال مخصوصاً اشتغال مبتنی بر علاقه؛ توسعه کسب‌وکارها در جامعه؛ کاهش بیکاری؛ تاب‌آوری اقتصاد کشور و مقابله در برابر تحریم‌ها؛ افزایش بهره‌وری در مشاغل
پیامدها (۲۸ کد)	پیامدهای مثبت فرهنگی و اجتماعی (۹ کد)	رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه؛ کاهش خشونت اجتماعی؛ کاهش جرم و جنایت؛ کاهش افسردگی؛ کاهش تمایل به استخدام دولتی (کاهش پشت‌میزنشینی و مشاغل اداری)؛ استخدام‌های درست و شایسته در جامعه (شایسته‌سالاری)؛ تعالی و پیشرفت جامعه؛ جامعه پویاتر؛ استقبال عمومی جامعه
	پیامدهای مثبت فردی (۹ کد)	رشد و پیشرفت منطقی افراد در جامعه؛ اعتمادبه‌نفس بالاتر (شخصی)؛ امید به زندگی بالاتر (شخصی)؛ کسب درآمد و استقلال؛ افزایش انگیزه دانش‌آموزان؛ نشاط

مقاله‌های اصلی	مؤلفه‌ها	کدهای باز
شغلی؛ خستگی کمتر از شغل؛ رضایت شغلی در جامعه؛ کارکردن با انگیزه و علاقه افراد در جامعه		
پیامدهای آموزشی (۴) آموزش درست نسل‌های آتی؛ بهبود سطح آموزش در جامعه؛ افزایش بودجه آموزش (کد)		
مهارت‌محور؛ تربیت نیروی کاری ارزش‌آفرین برای جامعه		

شکل زیر پارادایم کدگذاری محوری مدل فرایند کیفی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد و در ادامه نیز اجزای مدل کیفی پژوهش تشریح خواهند شد.

شکل ۱. مدل استخراجی از بخش کیفی با تحلیل داده‌بنیاد (منبع: پژوهش)



همانگونه که در مدل نشان داده شده است، برای موفقیت در پیاده‌سازی الگوی آموزش مهارت‌محور، لازم است که سیاست‌گذاری‌های مناسب برای سیستم‌های نوین آموزشی انجام شود، منابع انسانی مهارت‌محور ارتقا یابد، و امکانات و زیرساخت‌های مادی فراهم گردد. همچنین، ایجاد بستر مناسب برای تکمیل‌کنندگان آموزش مهارت‌محور و اصلاح باورهای فرهنگی جامعه و خانواده‌ها اهمیت دارد (بستر/شرایط زمینه‌ای). ضرورت تغییر به سمت آموزش مهارت‌محور ناشی از فشارهای عصر جدید، نیازهای جامعه، و عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی است. علاوه بر این، باورهای فرهنگی جامعه نیز نقش کلیدی در این تغییرات دارند (شرایط علی). آموزش مهارت‌محور به سه مؤلفه اصلی تقسیم می‌شود: تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی، مهارت‌های ارزش‌آفرین و خلق‌کننده ثروت، و مهارت‌های انسان‌ساز. این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده نیاز به ایجاد تعادل بین آموزش‌های کاربردی و نظری و ارتقاء توانمندی‌های فردی و اجتماعی است (پدیده آموزش مهارت‌محور). برای تحقق موفقیت‌آمیز این الگو، ضروری است که اصلاحات بنیادی در فرایندهای دولتی و سیاست‌های آموزش و پرورش صورت گیرد. این اصلاحات شامل فرهنگ‌سازی همه‌جانبه در سطوح مختلف جامعه، تقویت و غنی‌سازی منابع انسانی مهارت‌محور، و جذب حمایت‌های مکمل مؤثر در حوزه آموزش مهارت‌محور است (استراتژی‌ها/راهبردها). اجرای این الگو منافع اقتصادی قابل توجهی به همراه خواهد داشت، از جمله افزایش بهره‌وری و کاهش بیکاری. علاوه بر این، پیامدهای فرهنگی و اجتماعی مثبت نظیر تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی فردی و اجتماعی نیز به دنبال خواهد داشت. همچنین، تغییرات آموزشی به بهبود کیفیت نظام آموزشی و ارتقاء مهارت‌های دانش‌آموزان منجر خواهد شد (پیامدها). در نهایت، پیاده‌سازی الگوی آموزش مهارت‌محور می‌تواند به یک تحول اساسی در نظام آموزشی کشور منجر شود که نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند، بلکه نسل‌های آینده را برای مواجهه با چالش‌های جدید آماده می‌سازد.

آزمون الگوی استخراجی

آزمون الگو با مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار SmartPLS یکی از روش‌های قدرتمند برای تحلیل داده‌ها و بررسی روابط پیچیده میان متغیرهاست. مدل

مفهومی این پژوهش با استفاده از این نرم‌افزار آزمون شد. رابطه بین متغیرهای پژوهش براساس فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است و براساس آن، فرضیه‌ها تأیید یا رد شده‌اند. نتایج آزمون روابط پژوهش در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳. وضعیت روابط الگو

مؤلفه‌ها	ضریب تاثیر	عدد معناداری	سطح معناداری	وضعیت
شرایط علی بر پدیده محوری	۰,۳۵۳	۷,۹۰۹	۰,۰۰۰	تأیید
پدیده بر راهبردها	۰,۲۸۵	۶,۵۱۶	۰,۰۰۰	تأیید
بستر بر راهبردها	۰,۳۴۹	۷,۸۹۱	۰,۰۰۰	تأیید
مداخله‌گر بر راهبردها	-۰,۱۰۲	۲,۱۸۰	۰,۰۰۰	تأیید
راهبردها بر پیامدها	۰,۴۸۹	۱۰,۶۹۴	۰,۰۰۰	تأیید

پس از بررسی شاخص‌های متعدد در خصوص ارزیابی هر یک از بخش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری جهت ارزیابی کلی مدل، معیارهایی را معرفی کردند. یکی از این معیارها، شاخص نیکویی برازش یا تناسب مدل در مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد واریانس محور است که در اصطلاح به ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده^۱ مرسوم است. حد ملاک مطلوب در این شاخص کمتر ۰/۰۸ است. با توجه به نتایج جدول در خصوص ارزیابی کلی مدل تجربی در این پژوهش می‌توان بیان کرد که مقدار شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده برابر با (۰/۰۵۳) است. این مقدار نشان می‌دهد مدل به صورت کلی نیز داده‌های مدل مفروض را مورد تأیید و حمایت قرار می‌دهد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش کلی مدل

شاخص	مدل اشباع ^۲	مدل برآورد شده ^۳
SRMR	۰,۰۵۳	۰,۰۰۹
d_ULS	۱,۷۴۵	۵,۱۵۵
d_G	۱,۶۵۵	۱,۷۴۲
مربع کا	۳,۱۴۴۸۰۴	۳,۲۳۵۷۳۴
NFI	۰,۸۶۸	۰,۸۶۱

^۱ SRMR^۲ Saturated Model^۳ Estimated Mode

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به چالش‌های فراوانی که در مسیر آموزش کشور وجود دارد، ضروری است که نظام آموزشی به سمت آموزش‌های عملی و مؤثر، مانند آموزش مهارت‌محور، حرکت کند. در این راستا، لازم است که با طراحی یک الگوی مناسب بر اساس نیازهای واقعی کشور، گامی جدی در جهت بهبود آموزش برداشته شود. بنابراین، هدف این پژوهش طراحی الگوی آموزش مهارت‌محور در مدارس با توجه به نیازهای واقعی جامعه بوده است. در این مقاله به بررسی و تحلیل الگوی آموزش مهارت‌محور بر مبنای نیازهای واقعی جامعه پرداخته شد.

بر همین اساس با استفاده از مصاحبه با خبرگان و روش تئوری داده‌بنیاد، این الگو طراحی گردید. نتایج تحقیق نشان داد که شرایط علی مختلفی باعث ضرورت تغییر به سمت آموزش مهارت‌محور شده است. این شرایط شامل فشارهای عصر جدید، نیازهای خاص جامعه ایران، مشکلات بیکاری و فقر، و عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی موجود است.

شرایط علی که سبب ایجاد شرایطی برای رفتن به سمت آموزش مهارت‌محور بر مبنای نیازهای واقعی جامعه می‌شود شامل ۴ مؤلفه می‌باشد.

فشارهای عصر جدید و نیازهای جامعه به دلیل تغییرات سریع در فناوری و اقتصاد، همچنین مشکلات افزایش هزینه‌های دولتی و اشباع بازار کار، تأثیر زیادی بر ضرورت تغییر نظام آموزشی به سمت مهارت‌محور داشته‌اند. این تغییرات نیازمند نیروی کار ماهر و توانمند در استفاده از فناوری‌های نوین و همچنین مهارت‌های نوآورانه برای مشاغل جدید و سنتی است.

فشارهای عصر جدید برای تغییر (۴ کد) که این مقوله استخراجی همخوان با پژوهش فرخی (۱۳۹۲) و Papier (۲۰۲۰) بود؛ فشار نیازمندی‌های جامعه (۶ کد) که همخوان با پژوهش‌های قاسمیان (۱۳۹۴)؛ لطفی جلال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)؛ Care و همکاران (۲۰۱۸)؛ Papier (۲۰۲۰)؛ Jacobs و همکاران (۲۰۲۳)؛ Dogara و همکاران (۲۰۲۰)؛ بود؛ عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی در برابر نظام مهارت‌محور (۸ کد) و باورهای فرهنگی جامعه (۳ کد) جامعه ایران که همخوان با پژوهش گودینی (۱۳۹۴) بود. شاید مؤلفه اول که فشارهای عصر جدید است به‌عنوان نوید فردایی بهتر برای نظام آموزشی کشور و جامعه ایران باشد. یکی از مؤلفه‌های اصلی ظهور نسل‌های جدید از فرزندان در سطح جهانی

و در کشور است. نسل‌های جدید در سطح جهانی و در ایران، با خواسته‌ها و نیازهایی متفاوت از نسل‌های گذشته پا به عرصه گذاشته‌اند. این نسل، با داشتن روحیه‌ای مستقل، تمامیت‌خواه و جنگنده، نیروی محرکه‌ای برای تحولات اساسی در ساختارهای اجتماعی و به‌ویژه نظام آموزشی کشور است. این نسل نه تنها به دنبال آموزش‌های سنتی نیست، بلکه نیازمند آموزش‌هایی کاربردی و مبتنی بر مهارت‌های واقعی زندگی و بازار کار است. این تحولات همراه با پیشرفت سریع فناوری و گسترش روزافزون فناوری‌های نوین، باعث تغییرات گسترده در اقتصاد و کسب‌وکارهای کشور شده است. ظهور کسب‌وکارهای جدید و نوآورانه در کنار افول کسب‌وکارهای سنتی، نیاز به نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده را دوچندان کرده است.

دومین عامل علی که فشارهای نیازمندی جامعه نام‌گذاری شد به معنای نیازهای جامعه ایران است که امروزه با بزرگ‌شدن بدنه دولت و افزایش هزینه‌های سرسام‌آور آن، شاهد کاهش ظرفیت جذب دولتی در کشور هستیم، این موارد در کنار اشباع مشاغل کشور در بخش‌های مختلف به‌عنوان مزید بر علت تغییر و تحولات شده است؛ لذا جامعه ایران نیازمند نیروی کار متفاوت هست. همچنین کسب‌وکارهای خانگی و احیای مشاغل روستایی در کشور سبب خواهد شد که نیاز به مهارت‌های جدید و متفاوت وجود داشته باشد.

یکی دیگر از موارد مشکل‌بیکاری کشور و فقر است. در این شرایط، نسل جدید نه تنها باید توانایی استفاده از فناوری‌های نوین را داشته باشد، بلکه نیازمند کسب مهارت‌هایی است که بتواند در مشاغل نوظهور و همچنین مشاغل بومی و سنتی، نوآوری و پایداری ایجاد کند. از این رو، طراحی یک نظام آموزشی که بتواند هم‌گام با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناوری کشور پیش رود، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

علت چهارم عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی (فعلی) است. نظام آموزشی فعلی بیشتر بر دانش نظری تمرکز داشته و کمتر به پیوند دانش با عمل پرداخته است، که مشکلات متعددی را برای نسل‌های گذشته ایجاد کرده است. تحولات سریع فناوری و تغییرات اقتصادی نیز نیاز به نیروی کار ماهر را برجسته‌تر کرده‌اند. همچنین، تغییرات فرهنگی و کاهش اعتماد خانواده‌ها به تحصیلات نظری به‌تنهایی، همراه با چالش‌هایی نظیر ازدواج‌های زودرس و محدودیت دسترسی به دانشگاه، جامعه را به سوی نظام آموزش مهارت‌محور

سوق داده است. در نتیجه، ایجاد نظام آموزشی که مهارت‌های عملی و کاربردی را تقویت کند، برای آینده‌ای موفق ضروری است.

پدیده محوری پژوهش، آموزش مهارت‌محور، با سه مؤلفه اصلی شناسایی شد: مهارت‌های تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی، مهارت‌های ارزش‌آفرین و خلق‌کننده ثروت، و مهارت‌های انسان‌ساز. این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده نیاز به آموزش‌هایی هستند که علاوه بر توانمندی‌های فردی، قادر به ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی و همچنین ارتقای ابعاد انسانی در جامعه باشند.

در بررسی مصاحبه‌ها مشخص شد که آموزش مهارت‌محور دارای سه مؤلفه مهارت تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی (۳ کد)؛ مهارت ارزش‌آفرین و خلق‌کننده ثروت (۶ کد) و مهارت انسان‌ساز (۷ کد) است. مهارت آموزش محور مهارتی است که بتواند بر زندگی فردی شخص تأثیرگذار باشد. مهارت محوری به معنای یادگیری توانایی‌های فنی و عملی است که متناسب با نیازهای بازار کار باشد و فرد بتواند از این مهارت‌ها در حرفه خود بهره‌برد. همچنین، این مهارت‌ها به فرد امکان می‌دهند تا به خوداشتغالی روی آورده و از طریق آن کسب درآمد کند، که در نهایت به ایجاد ارزش و تولید ثروت منجر می‌شود. شرایط مداخله‌گر، شرایطی هستند که به‌عنوان مانع بر سر راه آموزش مهارت‌محور در کشور قرار دارند. از جمله این مؤلفه‌ها و اولین آن جریان‌های فکری و فرهنگی جامعه (۵ کد) است. جامعه ایران به‌طور خاص به رشته‌های نظری گرایش پیدا کرده و در نتیجه، در بخش مهارت‌محوری با کمبود انگیزه مواجه است و بیشتر به شعارپردازی در این حوزه پرداخته شده است. مؤلفه دوم باورهای غلط خانواده‌ها (۴ کد) است. با توجه به نقش غالب والدین در خانواده‌های ایرانی و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های آموزشی، فشارهای خانوادگی و جو روانی موجود به موانع اصلی ورود دانش‌آموزان به رشته‌های مهارتی تبدیل شده و آن‌ها را به سمت رشته‌های نظری هدایت کرده است. شاید بتوان مشکلات دیگری نظیر عدم درک مهارت‌محوری در نظام سیاست‌گذار کشور (۳ کد)؛ ضعف مدیریتی آموزش و پرورش (۳ کد)؛ مشکلات در سیاست‌گذاران کلان (۴ کد)؛ مشکلات حوزه سیاست‌گذاران آموزشی (۵ کد)؛ مشکلات اداری آموزش و پرورش (۳ کد)؛ کمبود منابع برای رشد مهارت‌محوری (۶ کد)؛ مشکلات حوزه هنرآموزان و معلمان (۶ کد)؛ فقر منابع آموزشی و علمی مهارت‌محور (۵ کد)؛ ضعف در حوزه هنرجویان و ورودی (۴ کد)؛ فساد نظام‌مند در سیستم

آموزشی (۳ کد) و بی‌مهری حامیان و مکمل‌های سیستم آموزشی (۷ کد) را به‌عنوان مؤلفه‌های دیگر که مانع آموزش مهارت‌محور در جامعه هستند، بیان کردند و این موانع به‌صورت سیستماتیک در بطن جامعه وجود دارند و بیش از ۱۰۰ سال است که با فرهنگ و باورهای جامعه ایران عجین شده‌اند و باید برای پیاده‌سازی نظام آموزش مهارت‌محور واقعی به این مؤلفه‌ها توجه ویژه‌ای گردد.

موانع شناسایی‌شده در این بخش همخوان با پژوهش‌های خاوری و گرزین (۱۳۹۳)؛ صالحی عمران (۱۳۹۳)؛ سلیمی و همکاران (۱۳۹۴)؛ باقری فر و صالحی (۱۳۹۵)؛ ادهم مهدی و شفیق‌زاده (۱۳۹۵)؛ مقیمی و همکاران (۱۳۹۷) همگی در کدهای مصاحبه‌های پژوهش حاضر جای داشت.

برای ایجاد آموزش مهارت‌محور در کشور باید شرایط زمینه و بستر مناسب آن فراهم شود. برای این منظور مؤلفه‌هایی مانند سیاست‌گذاری سیستم‌های نوین آموزشی (۲ کد) که به سیاست‌های حمایت‌گرایانه آموزش و پرورش و طراحی نظام جدید آموزشی اشاره داشت بیان شد؛ که این مقوله همخوان با پژوهش پژوهش‌های محمدی و رحمانی (۱۳۹۸)؛ اکبری لنگوری و احمدی بالف (۱۳۹۸) بود. از طرفی مسئله ارتقا منابع انسانی مهارت‌محور (۳ کد) به‌عنوان یک بازیگر اساسی در فرایند آموزش مهارت‌محور مطرح شد که با داشتن نیروهای انسانی مناسب و آموزش‌دیده و با انگیزه و ایجاد فضای مناسب در مدارس بتوان برای آموزش مهارت‌محور بسترسازی کرد؛ که این مقوله همخوان با پژوهش Dogara و همکاران (۲۰۲۰) بود.

با توجه به نیاز آموزش مهارت‌محور به تجهیزات و امکانات و بودجه آموزشی، مؤلفه بعدی تأمین امکانات و زیرساخت‌های مادی (۳ کد) بود که نیاز به تجهیز شدن مدارس، محتواهای درسی و بودجه مدارس را بیان کرد؛ که این مورد همخوان با پژوهش میرقادری (۱۳۹۴)؛ Parry and Hayden (۲۰۱۵) بود.

همچنین بیان شد که باید مکمل‌های نظام آموزشی در کشور که صنعت، اقتصاد، دانشگاه و پژوهش‌سراها و کارایی‌ها هستند باید به سمت حمایت از نظام آموزش مهارت‌محور حرکت کنند که این یعنی بستر مناسب تکمیل‌کنندگان آموزش مهارت‌محور (۵ کد) باید ایجاد شود و این امر یک ضرورت موردنیاز است. درنهایت باید در جامعه فرهنگ‌سازی شود و باورهای فرهنگی جامعه و خانواده‌ها (۳ کد) تغییر داده شود که این به معنای تغییر

جو حاکم در جامعه و خانواده‌هاست و این به معنای اولویت قرار دادن مهارت بر تئوری‌ها در جامعه است. در صورت اجرای درست پدیده آموزش مهارت‌محور در کشور، پیامدهای مثبت آن به جامعه خواهد رسید. از جمله پیامدهای شناسایی شده، پیامدها و منافع اقتصادی (۶ کد) است که به معنای پویایی اقتصاد و توسعه کسب و کارها در کشور است که این امر سبب ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری در جامعه خواهد شد. همچنین مشاغل جامعه بهره‌ورتر شده و اقتصاد کشور در برابر تحریم‌های موجود از تاب‌آوری بالاتری برخوردار خواهد بود.

از دیگر پیامدهای مثبت آموزش مهارت‌محور، پیامدهای مثبت فرهنگی و اجتماعی (۹ کد) است. در جامعه‌ای که به آموزش مهارت‌محور توجه شود، شاهد کاهش تمایل به مشاغل دفتری، بهبود فرآیندهای استخدام و کاهش مشکلات اجتماعی مانند افسردگی و خشونت خواهیم بود. چنین جامعه‌ای پویاتر و در مسیر پیشرفت قرار خواهد گرفت. آموزش مهارت‌محور موجب افزایش انگیزه، اعتماد به نفس و استقلال شخصیتی در افراد می‌شود. همچنین، این نوع آموزش بهبود اشتغال، افزایش رضایتمندی شغلی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی را به همراه دارد. در نهایت، به رشد منطقی و بهبود کیفیت زندگی کمک کرده و به جامعه‌ای با توانمندی‌های بیشتر و استعدادهای گسترده‌تر منجر می‌شود. از دیگر پیامدهای مثبت آموزش مهارت‌محور، پیامدهای مثبت فردی (۹ کد) است. آموزش مهارت‌محور به طور چشمگیری انگیزه و علاقه را در جامعه و افراد افزایش می‌دهد. این نوع آموزش نه تنها انگیزه بیشتری را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند، بلکه موجب تقویت استقلال شخصیتی، اعتماد به نفس و امید به زندگی نیز می‌شود. در نهایت، آموزش مهارت‌محور به رشد منطقی افراد کمک کرده و پیامدهای مثبتی همچون رضایتمندی شغلی و کاهش خستگی را به همراه خواهد داشت؛ که این موارد همخوان با پژوهش محمدیان و همکاران (۱۳۹۹) بود.

از دیگر پیامدهای نظام آموزش مهارت‌محور در جامعه، می‌توان به بهبود سطح آموزش و رشد نیروی کار ارزش‌آفرین برای جامعه اشاره کرد. این رویکرد بهبود فرآیند آموزش برای نسل‌های آینده را تسهیل خواهد کرد و موجب تخصیص بودجه‌های بیشتری به آموزش مهارت‌محور می‌شود. همچنین، با افزایش استقبال از این نوع آموزش، چرخه مثبت مهارت‌محوری در جامعه تقویت خواهد شد. می‌توان گفت که این تغییرات پایه‌گذاری درستی برای نظام آموزشی کشور در چندین دهه آینده ایجاد خواهد کرد و منافع ذکر شده را به جامعه خواهد رساند. برای دستیابی به نتایج مثبت آموزش مهارت‌محور بر اساس نیازهای

واقعی جامعه، اجرای استراتژی‌های مناسب ضروری است تا به بهبود فرآیند آموزش مهارت‌محور در جامعه کمک کند.

بر این اساس با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته در پژوهش و کدها و مؤلفه‌های استخراجی ۶ راهبرد به‌عنوان راهبردهای اصلی در نظر گرفته شده‌اند که به‌عنوان راهبردهای بسترساز و رفع‌کننده موانع برای دستیابی به مدل مناسب شناخته می‌شوند. اولین راهبرد شناسایی‌شده در پژوهش اصلاح فرایندهای غلط دولتی و حمایت همه‌جانبه دولت (۸ کد) بود. دومین راهبرد شناسایی‌شده، فرهنگ‌سازی همه‌جانبه در همه سطوح جامعه (۷ کد) بود. فرهنگ‌سازی کردن سبب خواهد شد که تغییرات جامعه به تغییرات پایدار تبدیل شوند و روندهای موجود در جامعه به سمت اصلاح وضعیت پیش بروند. سومین راهبرد، تقویت و غنی‌سازی منابع انسانی مهارت‌محور در سطح جامعه (۹ کد) است، شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که نیروی انسانی در سازمان‌ها مخصوصاً سازمان‌های خدمات آموزشی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع و بازیگر نقش‌آفرینی می‌کند. نیروی انسانی پویا، به‌روز، خلاق و بانگیزه و مستعد دانش‌آموزانی مشابه خود تربیت خواهد کرد. چهارمین راهبرد استخراجی تغییر در رویه‌ها و فرایندهای آموزش و پرورش (۹ کد) بود که این به معنای ایجاد یک تغییر در آموزش و پرورش است. پنجمین راهبرد استخراجی تغییر بنیادی در سیاست‌های آموزش و پرورش (۱۲ کد) بود و این به معنای، یک خانه‌تکانی در نظام آموزش و پرورش و سیاست‌های آن است. ششمین راهبرد برای پیاده‌سازی آموزش مهارت‌محور جذب حمایت مکمل‌های مؤثر در حوزه (۶ کد) است. براین اساس برای هر یک از راهبردهای شناسایی‌شده در پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر را ارائه می‌شود:

برای اصلاح فرایندهای غلط دولتی و حمایت همه‌جانبه دولت پیشنهاد می‌شود: ایجاد یک کارگروه مشترک بین دولت و بخش خصوصی برای بازبینی و اصلاح فرایندهای ناکارآمد. این کارگروه می‌تواند با تحلیل دقیق وضعیت موجود و شناسایی موانع، فرایندهای بهینه را پیشنهاد و پیاده‌سازی کند. همچنین، تخصیص بودجه و منابع مناسب برای اجرای این اصلاحات می‌تواند تأثیرگذاری آن را افزایش دهد.

برای فرهنگ‌سازی همه‌جانبه در همه سطوح جامعه پیشنهاد می‌شود: راه‌اندازی کمپین‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی در رسانه‌های ملی و محلی با هدف تغییر نگرش‌ها و باورهای اشتباه در سطح جامعه. ایجاد برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها نیز می‌

تواند به تقویت فرهنگ سازی پایدار کمک کند. همکاری با نهادهای فرهنگی و مذهبی برای ترویج این مفاهیم نیز توصیه می شود.

برای تقویت و غنی سازی منابع انسانی مهارت محور پیشنهاد می شود: طراحی و اجرای دوره های آموزشی تخصصی و کاربردی برای معلمان و کارمندان آموزشی. این دوره ها باید بر مبنای نیازهای مهارت محور و به روزترین روش های آموزشی باشد. استفاده از تکنولوژی های نوین آموزشی و ایجاد سیستم های انگیزشی برای معلمان، به تقویت مهارت های آنها کمک خواهد کرد.

برای تغییر در رویه ها و فرایندهای آموزش و پرورش پیشنهاد می شود: بازبینی و به روزرسانی برنامه های درسی و روش های تدریس با تمرکز بر یادگیری مشارکتی و مهارت محور. ارزیابی مستمر عملکرد سیستم های آموزشی و ارائه بازخوردهای مناسب نیز می تواند به بهبود روندهای آموزشی کمک کند.

برای تغییر بنیادی در سیاست های آموزش و پرورش پیشنهاد می شود: تشکیل کمیته های تخصصی با حضور کارشناسان حوزه آموزش، روان شناسی و جامعه شناسی برای بازبینی سیاست های فعلی و تدوین سیاست های نوین که متناسب با نیازهای جامعه امروز باشد. این سیاست ها باید قابلیت انعطاف پذیری و پاسخ گویی به تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی را داشته باشند.

برای جذب حمایت مکمل های مؤثر در حوزه آموزش مهارت محور پیشنهاد می شود: همکاری با سازمان های بین المللی و نهادهای خصوصی برای جذب منابع مالی و فناوری های نوین. برگزاری نشست ها و کنفرانس های مشترک با حضور ذی نفعان مختلف برای تبادل ایده ها و جذب حمایت های مؤثر نیز می تواند به ارتقای سیستم آموزشی مهارت محور کمک کند.

در بخش کمی، نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری با استفاده از داده های به دست آمده از نرم افزار SmartPLS ارائه شده است. نتایج تحلیل نشان می دهند که رابطه بین شرایط علی و پدیده محوری با ضریب مسیر ۰,۳۵۳ و آمار t برابر با ۷,۹۰۹ به طور معناداری مثبت است. سطح معنی داری (p-value) این رابطه برابر با ۰,۰۰۰ است که نشان دهنده معناداری آماری بالای این رابطه است. این نتیجه به این معناست که شرایط علی به طور مؤثر و مثبت بر پدیده محوری تأثیر می گذارد. این تأثیر معنادار نشان دهنده اهمیت شرایط علی در شکل دهی و

تقویت پدیده محوری است. رابطه میان پدیده و راهبردها با ضریب مسیر ۰,۲۸۵ و آمار t برابر با ۶,۵۱۶ به‌طور معناداری مثبت و معنادار است. سطح معنی‌داری (p -value) برابر با ۰,۰۰۰، نشان‌دهنده این است که پدیده به‌طور مؤثر بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. این تأثیر مثبت به معنای آن است که تغییرات در پدیده می‌تواند به تغییرات مثبت و معنادار در راهبردها منجر شوند. همچنین نتایج نشان می‌دهند که رابطه بین بستر و راهبردها با ضریب مسیر ۰,۳۴۹ و آمار t برابر با ۷,۸۹۱ به‌طور معناداری مثبت است. سطح معنی‌داری (p -value) برابر با ۰,۰۰۰، مؤید این است که بستر به‌طور مؤثر بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. این یافته به این معنی است که بسترهای مختلف تأثیر قابل توجهی بر نحوه انتخاب و اجرای راهبردها دارند. رابطه بین مداخله‌گر و راهبردها با ضریب مسیر ۰,۱۰۲- و آمار t برابر با ۲,۱۸۰ نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار است. سطح معنی‌داری (p -value) برابر با ۰,۰۰۰، نشان‌دهنده معناداری این رابطه است. این نتیجه به این معناست که مداخله‌گر به‌طور منفی بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. تأثیر منفی مداخله‌گر می‌تواند به معنای این باشد که وجود مداخله‌گر ممکن است چالش‌هایی را در اجرای مؤثر راهبردها ایجاد کند. نتایج نشان می‌دهند که رابطه بین راهبردها و پیامدها با ضریب مسیر ۰,۴۸۹ و آمار t برابر با ۱۰,۶۹۴ به‌طور معناداری مثبت است. سطح معنی‌داری (p -value) برابر با ۰,۰۰۰، بیانگر معناداری بالای این رابطه است. این یافته به معنای آن است که راهبردها تأثیر قوی و مثبت بر پیامدها دارند، به طوری که تغییرات در راهبردها می‌تواند به بهبود و تغییرات مثبت در پیامدها منجر شوند. تحلیل نتایج مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که تمامی روابط بین متغیرها به‌طور معناداری تأیید شده‌اند، با تأثیرات مثبت قوی در اکثر روابط و یک تأثیر منفی در رابطه مداخله‌گر با راهبردها. این نتایج تأکید می‌کنند که در طراحی و اجرای راهبردها، توجه به شرایط علی، پدیده‌ها، و بسترهای مرتبط ضروری است، در حالی که تأثیر منفی مداخله‌گر باید به‌طور خاص مورد بررسی و مدیریت قرار گیرد.

به‌طور کلی، نتایج تحقیق تأکید بر ضرورت بازنگری و اصلاح نظام آموزشی کنونی به‌گونه‌ای که بر اساس نیازهای واقعی جامعه و توانمندی‌های مهارتی دانش‌آموزان طراحی شود، دارند. این تغییرات می‌تواند به کاهش مشکلات بیکاری، ارتقاء سطح زندگی و افزایش نوآوری و پایداری در بازار کار منجر شود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله تعداد کم خبرگان در این حوزه، دشواری دسترسی به خبرگان و عدم امکان برگزاری مصاحبه‌های حضوری به دلیل شرایط کرونا. برای پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود که مدل پژوهش به صورت کمی آزموده شود و پژوهش‌های بیشتری در زمینه شناسایی و رفع موانع پیاده‌سازی آموزش مهارت محور در جامعه انجام گیرد. همچنین، طراحی مدل آینده‌نگاری برای آموزش مهارت محور در کشور می‌تواند مفید باشد.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

سپاسگزاری

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری طراحی الگوی آموزش مهارت محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه با استفاده از نظریه داده بنیاد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور است. از تمامی کسانی که در انجام پژوهش نویسندگان را همراهی کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

- ادیب منش، مرزبان، و صدر، آمنه. (۱۴۰۰). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش آموزان دوره ابتدایی. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۶(۶۲)، ۲۲۳-۲۵۶.
- اکبری لنگوری، جعفر و احمدی بالف، رقیه. (۱۳۹۸). چرا تکالیف مهارت محور، چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
- ایزدی، احسان، و کوشکی، حشمت. (۱۳۹۷). شناسایی و واکاوی شاخص‌های عمده در زمینه ارتقای مفهومی نظام آموزش‌های مهارتی به نهضت ملی مهارت آموزشی در کشور ایران با بهره‌گیری از روش AHP، *مهارت‌آموزی*، ۷(۲۵)، ۷۱-۱۰۰.
- باقری‌فر، علی‌اکبر، و صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). چالش‌های مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی. *مهارت‌آموزی*، ۴(۱۵)، ۷-۴۰.

- بهمن، اکبر، مهدوی راد، محمدرضا، و بلوچی، حسین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی بدینی سازمانی با کیفیت خدمات ارائه شده کارکنان با نقش میانجی‌گری و تعدیل‌گری تعهد سازمانی. پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۹(۳۱)، ۱۶۱-۱۸۵.
- تقوی، سیده زینب، ساداتی، مرتضی، کاکویی، الله بخش، و جمشیدی، امیر. (۱۳۹۴). نیازسنجی آموزش‌های مهارتی بر اساس سند آمایش سرزمین در بخش صنعت (مطالعه موردی: شهرستان‌های ساری و قائم‌شهر). مهارت‌آموزی، ۴(۱۴)، ۸۳-۱۰۲.
- خاوری، عبدالله، و گرزین، رضا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی نظام آموزش مهارتی. مهارت‌آموزی، ۳(۱۰)، ۷۷-۹۲.
- سلیمی، قاسم، محمدی، مهدی، و رضایی، اشرف. (۱۳۹۴). ارائه مدلی کاربردی برای بهسازی نظام سنجش مهارت‌های عملی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. مهارت‌آموزی، ۳(۱۱)، ۶۷-۹۷.
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور. مهارت‌آموزی، ۲(۸)، ۲۵-۴۸.
- عطاریا، احمد، خنیفر، حسین، رحمتی، محمدحسین، و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت تدوین خط‌مشی در نظام غیررسمی آموزش مهارتی ایران. مجله علمی مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۲(۲)، ۳۴۵-۳۷۴.
- فرخی داود. (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی در توسعه آموزش‌های مهارت بنیان تقاضامحور. مهارت‌آموزی، ۱(۳)، ۱۰۵-۱۳۱.
- قاسمیان الهام. (۱۳۹۴). بررسی نقش آموزش‌های مهارتی بر میزان اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی با کمک تکنیک معادلات ساختاری. مهارت‌آموزی، ۳(۱۱)، ۳۳-۴۷.
- کارگر شورکی، هدایت، پاک‌نژاد، فاطمه، و میر غفوری، سید حبیب‌الله. (۱۳۹۶). آینده‌نگاری نظام آموزش مهارتی در پرتو فناوری‌های همگرا. مهارت‌آموزی، ۶(۲۱)، ۱۰۹-۱۲۶.
- کاوسی، اسماعیل، و حسینی‌راد، سید مهدی. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای توسعه آموزش‌های مهارتی در سازمان. آموزش در علوم/انتظامی، ۱۸(۲۴)، ۶۱-۴۰.
- کیا لاشکی، هدایت، خورشیدی، عباس، محمدخانی، کامران، خسروی بابادی، علی اکبر. (۱۴۰۰). ارائه الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش جهت ارتقای آموزش در مراکز علمی کاربردی. مجله توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۱۲(۲)، ۵۹۶-۶۰۸.

- گودینی، وحید. (۱۳۹۴). افزایش میزان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار به مراکز فنی و حرفه‌ای برای طی دوره مهارت‌آموزی در رشته‌های مختلف و خوداشتغالی در سال‌های اخیر (یک بررسی چهار ساله). *مهارت‌آموزی*، ۴(۱۳)، ۱۰۳-۱۱۰.
- لطفی جلال‌آبادی، مصطفی، فرهادی، علی، روایی، سلطنت، و غلامی، محمود. (۱۳۹۸). طراحی الگوی مهارت‌محوری برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای با استفاده از نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه علمی-پژوهشی کارافن*، ۱۶(۴۶)، ۷۱-۱۰۰.
- محمدی، اکرم، و رحمانی، خزران. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر تکلیف مهارت‌محور و خلاق بر میزان یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی. *پژوهش‌نامه اورمزد*، ۴۷، ۲۲۰-۲۳۱.
- محمدیان، یوسف، محمودپور جاسکی، شیما، و سلاجقه، آریتا. (۱۳۹۹). نقش تکالیف مهارت‌محور در پرورش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی، دومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین یاددهی - یادگیری در دوره ابتدایی، بندرعباس، <https://civilica.com/doc/1115732>
- مقیم، سید محمد، خنیفر، حسین، اردی بهشت، محمدمهدی، و شریفی، سید مهدی. (۱۳۹۷). ارائه الگوی آموزش مهارت‌محور جهت توسعه کارآفرینی رسانه‌ای. *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۱۱(۴)، ۶۸۱-۷۰۰.
- مهدی، رضا. (۱۳۹۴). جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم. *مهارت‌آموزی*، ۴(۱۴)، ۱۰۳-۱۱۷.
- میرقادری، سید هادی. (۱۳۹۴). بررسی مهارت‌آموزی و اشتغال در خوشه‌های صنعتی از دیدگاه پویایی‌شناسی سیستم. *مهارت‌آموزی*، ۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۳۴.
- ناصری آلاشتی، میترا، صفاریان همدانی، سعید، و هاشم نژاد آبرسی، فاطمه. (۱۳۹۹). الگوی بومی‌سازی برندینگ مهارت‌آموزی و کارآفرینی فردی و اجتماعی در مدارس ایران. *مدیریت مدرسه*، ۸(۳)، ۶۷-۹۴.
- نماینده، یعقوب، اختیار وکالتی، رضا، اختیار وکالتی، مهدی. (۱۳۹۷). آموزش بر مبنای کار (WBL) با تأکید بر طرح مدل آموزش در محیط کار مبتنی بر دهکده مهارت. *مهارت‌آموزی*، ۶(۲۴)، ۱۲۹-۱۳۶.
- نوید ادهم، مهدی، و شفیع‌زاده، حمید. (۱۳۹۵). بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش مهارتی در ایران. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵(۲۰)، ۷-۲۱.

References

Adibmanesh, M., & Sadr, A. (۲۰۲۱). Designing an optimal curriculum model for improving the life skills of elementary school students. *Journal of Curriculum*

- Studies*, ۱۶(۶۲), ۲۲۳-۲۵۶. DOI: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۷۳۵۴۹۸۶,۱۴۰۰,۱۶,۶۲,۹,۴. [In Persian]
- Akbari Langouri, J. & Ahmadi Balef, R. (۲۰۱۸). Why skill-oriented assignments, the *fourth national conference of new approaches in education and research*, Mahmudabad. [In Persian]
- Attarnia, A., Khanifar, H., Rahmati, M. H., & Jandaghi, G. (۲۰۱۴). Study of Condition of Policy Making in Iranian Nonformal Skills Training System. *Organizational Culture Management*, ۱۲(۲), ۳۴۵-۳۷۴. doi: ۱۰,۲۲۰۵۹/jomc.۲۰۱۴,۵۱۱۸۷. [In Persian]
- Bagheri Far, A. A. (۲۰۱۶). Salehi, Kivan Challenges of Skill Training and Education of Entrepreneurial Students in Technical and Vocational High Schools: A Phenomenological Study. *Skill training*, ۴(۱۵), ۷-۴۰. URL: <http://fasnameh.iranvtto.ir/article-۱-۱۷۳-fa.html>. [In Persian]
- Bakare, S. (۲۰۱۸). Attracting, recruiting, and retaining skilled workers in retail organizations. *International Journal of Social Science and Economic Research*, ۳(۵), ۱۷۴۵-۱۷۵۵.
- Bahmani, A., Mahdavi rad, M. R., & Balouchi, H. (۲۰۱۶). The Effect of Organizational Cynicism on the Quality of the Offered Services with Organizational Commitment Moderated. *Public Management Researches*, ۹(۳۱), ۱۶۱-۱۸۵. doi: ۱۰,۲۲۱۱۱/jmr.۲۰۱۶,۲۵۱۸. [In Persian]
- Cameron Frichtel, M. J. (۲۰۱۷). "We Were the Choreographers; the Dance Teachers Were the Helpers": Student Perceptions of Learning in a Dance Outreach Program Interpreted Through a Lens of ۲۱st-Century Skills. *Journal of Dance Education*, ۱۷(۲), ۴۳-۵۲.
- Care, E., Kim, H., Vista, A., & Anderson, K. (۲۰۱۸) *Education System Alignment for ۲۱st Century Skills: Focus on Assessment*. Center for Universal Education at The Brookings Institution.
- Dogara, G., Saud, M. S. B., & Kamin, Y. B. (۲۰۲۰). Work-Based Learning Conceptual Framework for Effective Incorporation of Soft Skills Among Students of Vocational and Technical Institutions. *IEEE Access*, ۸, ۲۱۱۶۴۲-۲۱۱۶۵۲.
- Farrokhi, D. (۲۰۱۳). Foresighting in Development of Skill-Based and Demand-Oriented Trainings. *Skill training*, ۱(۳), ۱۰۵-۱۳۱. URL: <http://fasnameh.iranvtto.ir/article-۱-۷۲-fa.html>. [In Persian]
- Ghasemian, E. (۲۰۱۵). Studying the Role of Skill Training on Employment of University Graduates using Structural Equation Modeling Technique. *Skill training*, ۳(۱۱), ۳۳-۴۷. URL: <http://fasnameh.iranvtto.ir/articl-۸۵-۱-fa.html>. [In Persian]
- Godini, V. (۲۰۱۵). The increasing tendency of college graduate job hunters to attend diverse training courses in technical institutes and self-employment in recent years (a four- years study). *Skill training*, ۴(۱۳), ۱۰۳-۱۱۰. URL: <http://fasnameh.iranvtto.ir/article-۱۳۸-۱-fa.html>. [In Persian]
- Izadi E, koushki H. (۲۰۱۸). Identification and Analysis of Major Indicators for Conceptual Improvement of Skills Training System to National Skills Movement in Iran Using A H P Method, ۷(۲۵), ۷۱-۱۰۰. URL: <http://fasnameh.iranvtto.ir/article-۱-۲۳۹-fa.html>. [In Persian]
- Jacobs, B., Taljaard-Swart, H., Marx-Pienaar, N., Diedericks, L., Sonnenberg, N., Donoghue, S., ... & du Rand, G. (۲۰۲۳). Preparing students for the future workplace: how online teaching and learning during the COVID-۱۹ pandemic hone required transferable skills. *Education+ Training*, ۶۵(۱۰), ۸۱-۹۷.

- Kargar Shurki, H. Paknejad, F. Mir Ghafouri, S. H. (۲۰۱۷). Convergent Technologies Foresight in Skill Training System. *Skill training*, 7(۲۱), ۱۰۹-۱۲۶. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article/۱۱۶-۱-fa.html>. [In Persian]
- Kavosin. E. & mahdi hoseini rad, S. (۲۰۱۷). Providing a Model for the Development of Skill Training in the Organization. *quarterly journal of training in police sciences*, ۲(۱۸), ۴۱-۶۰. [In Persian]
- Khavari, A., & Gerzin, R. (۲۰۱۵). Pathology of Skill Training System. *Skill training* 7(۱۰), ۷۷-۹۲. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱۰۴-۱-fa.html>. [In Persian]
- Kialashaki, H., Khorshidi, A., Mohammad Khani, K., & Khosro Babadi, A. A. (۲۰۲۱). Provide a Model of Effective Skill Training to Improve Training in Applied Science Centers. *Educational Development of Judishapur*, 11(۲), ۵۹۶-۶۰۸. doi: ۱۰.۲۲۱۱۸/edc.۲۰۲۰.۲۵۶۱۰۶.۱۵۹۰. [In Persian]
- Kovalevsky, S. (۲۰۲۰). *Exploring Destination Imagination Alumni Perceptions of 21st-Century Skills and Workforce Readiness* (Doctoral dissertation, Walden University).
- Li, L. (۲۰۲۲). Reskilling and upskilling the future-ready workforce for industry ۴.۰ and beyond. *Information Systems Frontiers*, ۱-۱۶.
- Lotfi Jalal Abadi, M., Farhadi, A., Ravaei, S., & Gholami, M. (۲۰۲۰). Designing a Skill-oriented Model for Occupational Students: Using the Grounded Theory. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 17(۲), ۷۱-۱۰۰. Doi: ۲۰.۱۰۰.۱.۲۳۸۲۹۷۹۶.۱۳۹۸.۱۶.۴۶.۴.۹. [In Persian].
- McGunagle, D., & Zizka, L. (۲۰۲۰). Employability skills for ۲۱st-century STEM students: the employers' perspective. *Higher education, skills and work-based learning*, 1۰(۳), ۵۹۱-۶۰۶.
- Mehdi, R. (۲۰۱۶). Skill Training Position in the Third Generation Universities. *Skill training*, ۴(۱۴), ۱۰۳-۱۱۷. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱-۱۳۴-fa.html>. [In Persian]
- Mikkonen, S., Pylväs, L., Rintala, H., Nokelainen, P., & Postareff, L. (۲۰۱۷). Guiding workplace learning in vocational education and training: A literature review. *Empirical Research in Vocational Education and Training*, 7, ۱-۲۲.
- Mir Qadri, S H.S (۲۰۱۵). significance of Innovative Problem Solving- Based Teaching on Learners' Self-Efficacy Readiness. *Skill training*, ۴(۱۳), ۱۲۵-۱۳۴. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱-۱۴۰-fa.html>. [In Persian]
- Moghipi, S. M., khanifar, H., ordibehesht, M. M., & sharifee, S. M. (۲۰۱۹). Providing Skill-Driven Education Model for Media Entrepreneurship Development. *Journal of Entrepreneurship Development*, 11(۴), ۶۸۱-۷۰۰. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/jed.۲۰۱۹.۲۷۶۴۴۱.۶۵۲۹۱۹. [In Persian]
- Mohammadi, A., & Rahmani, K. (۲۰۱۸). Investigating the effect of skill-oriented and creative assignments on the learning rate of primary school students. *Ormazd research paper*, ۴7, ۲۲۰-۲۳۱. [In Persian].
- Mohammadian, Y., Mahmoudpour Jaski, S., & Selajgeh, A. (۲۰۱۹). The role of skill-based assignments in developing the life skills of first grade students, the second national conference on new findings of teaching and learning in the primary grade, Bandar Abbas, <https://civilica.com/doc/۱۱۱۵۷۳۲>. [In Persian]
- Mulder, M. (Ed.) (۲۰۱۷), *Competence-based Vocational and Professional Education*, Springer, Dordrecht, the Netherlands.
- Myers, M. D. (۲۰۱۳). *Qualitative Research in Business & Management*. Heidarzadeh, Kambiz, Merikhnejad Asl, Ali, Tehran: ELM Publication
- Nasari Alashti, M., Safarian Hamdani, S., & Hashem Nejad Abarasi, F. (۲۰۲۰). Localization Branding of Training and Social Personal Entrepreneurship for

- Model Presentation (A Case Study: Educational Department Mazandaran Province). *School Administration*, ۴(۳), ۹۴-۱۰۷. [In Persian]
- Namayandeh, Y., Ekhtiar Vekalati, R., Ekhtiar Vekalati, M. (۲۰۱۷). Work-based training (WBL with emphasis on the design of the training model in the work environment based on the skill village). *Skill training*, ۷(۲۴), ۱۳۶-۱۲۹. [In Persian]
- Navid Adham, M., Shafizadeh, H. (۲۰۱۵). Examining the most important challenges and strategies of skill training in Iran. *Social and cultural strategy*, ۴(۲۰), ۷-۲۱. [In Persian]
- Papier, J. (۲۰۲۱). ۲۱st Century competencies in Technical and Vocational Education and Training: Rhetoric and reality in the wake of a pandemic. *Journal of Education (University of KwaZulu-Natal)*, ۸۴(۱), ۶۷-۸۴.
- Parry, J., & Hayden, M. (۲۰۱۵). Skills development: A review with reference to Southeast Asia. *Journal of International and Comparative Education (JICE)*, ۶۷-۷۸.
- Peters, J. (۲۰۲۲). The importance of vocational training for career development", EHL Insights, available at: <https://hospitalityinsights.ehl.edu/vocational-training-career-development>
- Rakowska, A., & de Juana-Espinosa, S. (۲۰۲۱). Ready for the future? Employability skills and competencies in the twenty-first century: The view of international experts. *Human Systems Management*, ۴۰(۵), ۶۶۹-۶۸۴.
- Salehi Imran, E. (۲۰۱۴). Pathology of skills training management in Iran. *Skill training*, ۲(۸), ۲۵-۴۸. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱-۱۴۳-fa.html>. [In Persian]
- Salimi, Q., Mohammadi, Rezaei, A. (۲۰۱۵). A Practical Model to Improve Iran TVTO's Skill Assessment System. *Skill training*, ۲(۱۱), ۶۷-۹۷. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱-۸۷-fa.html>. [In Persian]
- Taqvi, S. Z., Sadati, M., Kakui, A., Jamshidi, A. (۲۰۱۶). Skills Training Needs Assessment Based On Land Use Planning Document in Industry Section (Case Study: Qaemshahr & Sari). *Skill training*, ۴(۱۴), ۸۳-۱۰۲. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱-۱۳۳-fa.html>. [In Persian]
- Teng, W., Ma, C., Pahlevansharif, S., & Turner, J. J. (۲۰۱۹). Graduate readiness for the employment market of the ۴th industrial revolution: The development of soft employability skills. *Education+ Training*, ۶۱(۵), ۵۹۰-۶۰۴.
- Tharumaraj, J. N., Krishnan, S., & Perumal, R. (۲۰۱۸). Learners' perspective: ۲۱st century essential fluencies. *English Teacher*, ۴۱(۳), URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱-۱۰۴-fa.html>.
- UNESCO Strategy for Technical and Vocational Education and Training (۲۰۱۶-۲۰۲۱), Published in ۲۰۱۶. Organization Y, place de Fontenoy, ۷۵۳۵۲ Paris ۰۷ SP, Franc.